

**MARVEL**

**1**

PETER DAVID  
GREG LAND  
IBAN COELLO  
JAY LEISTEN  
FRANK D'ARMATA

# EXTRA SPIDER-MAN



LAND  
fcd

RATED T



# EMBODY SPIDER-MAN

بعد از جنگ های سری پیتر پارکر با لباسی کاملاً جدید که از تکنولوژی بیگانه برخوردار است، به نیویورک باز می گردد. حالا او در این لباس جدید بین زندگی عادی خود و زندگی عنکبوتی تعادل برقرار کرده و در محله دوستانه مرد عنکبوتی تاب می خورد و به زندگی عادی اش می پردازد.

کوئنتین بک در گذشته متخصص خلق جلوه های ویژه بود... تا اینکه متوجه شد می تواند با استفاده از مهارت های خود پول بیشتری به دست بیاورد. او الان با هویتی اسرار آمیز بنام میستر یو در خیابان ها می گردد.



**PETER DAVID**  
WRITER

**GREG LAND**  
PENCILER

**JAY LEISTEN**  
INKER

**FRANK D'ARMATA**  
COLORIST

**VC's JOE SABINO**  
LETTERER

**IBAN COELLO &  
FRANK D'ARMATA**  
FLASHBACK SEQUENCE

**GREG LAND & FRANK D'ARMATA COVER ARTISTS**

ARTGERM; RON LIM & ISRAEL SILVA; NICK BRADSHAW & JOHN RAUCH; SKOTTIE YOUNG; TODD McFARLANE & JESUS ABURTOV; ALEX SAVIUK & CHRIS SOTOMAYOR VARIANT COVER ARTISTS

LAUREN AMARO & DANNY KHAZEM ASSISTANT EDITORS  
DEVIN LEWIS EDITOR NICK LOWE EXECUTIVE EDITOR

C.B. CEBULSKI EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER  
DAN BUCKLEY PRESIDENT ALAN FINE EXEC. PRODUCER  
SPIDER-MAN CREATED BY STAN LEE & STEVE DITKO



...قرار نبود  
این اتفاق  
بیفته.

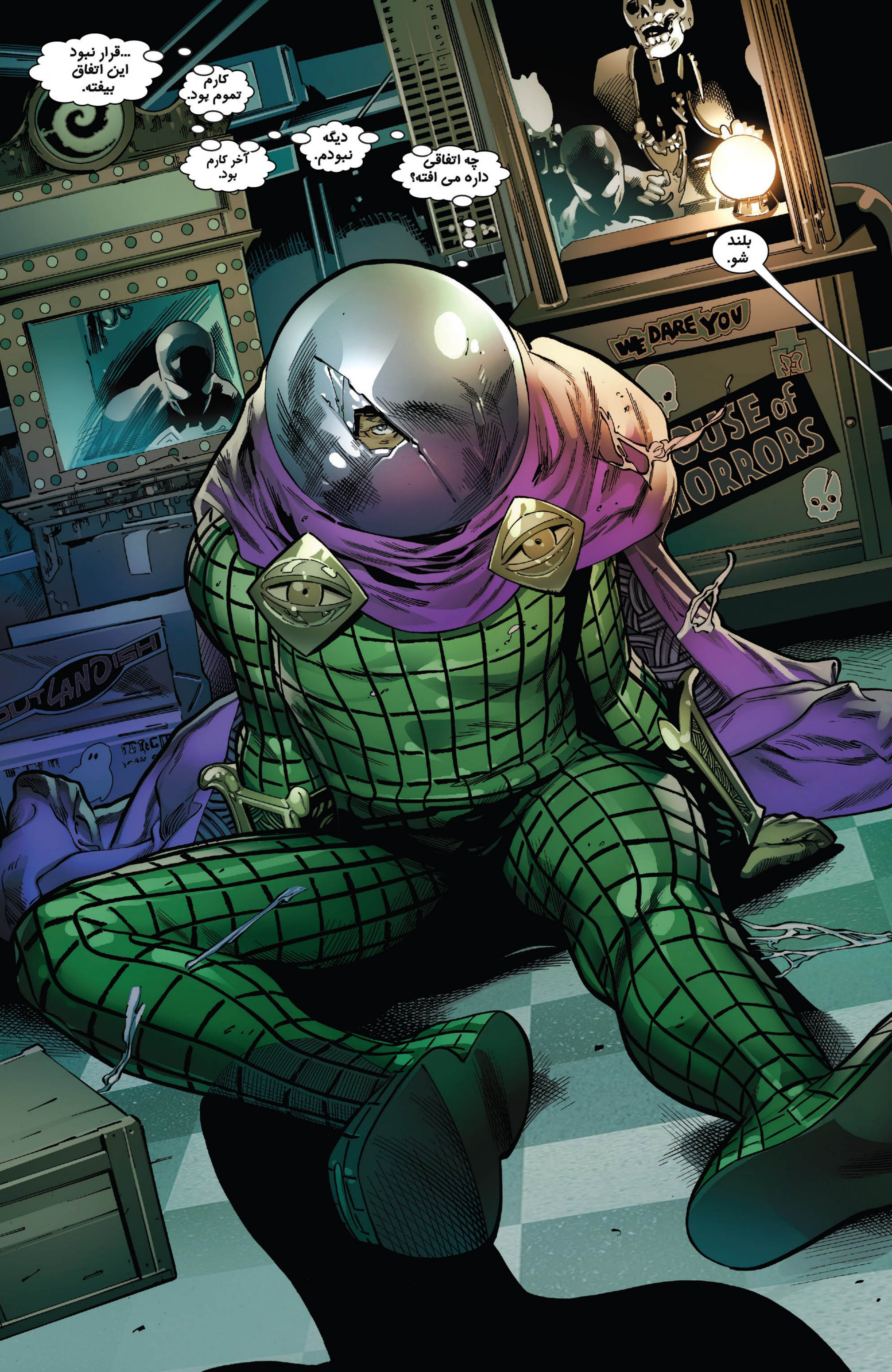
کارم  
تموم بود.

دیگه  
نبودم.

آخر کارم  
بود.

چه اتفاقی  
داره می افته؟

بلند  
شو.







زود  
باش. بلند  
شو.

پاشو!  
دوست ندارم  
کسی رو که رو زمینه  
بزنم.



خوبه.

باید  
برگردی به زندان.  
تو یه سلول که زیر  
زمینه میندازنت که  
روش یه سنگ  
قبره.



امکان  
نداره.

امکان  
نداره برگردم  
زندون.



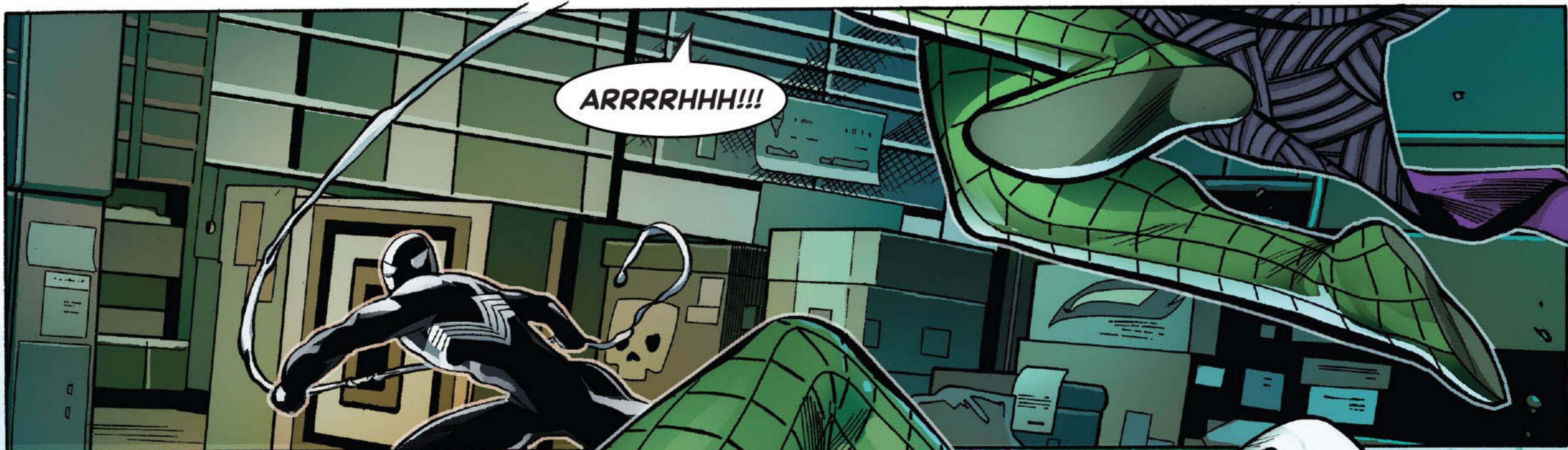
فکر می کنی  
کارم باهات تموم  
شده؟

تازه دارم  
گرم می شم.

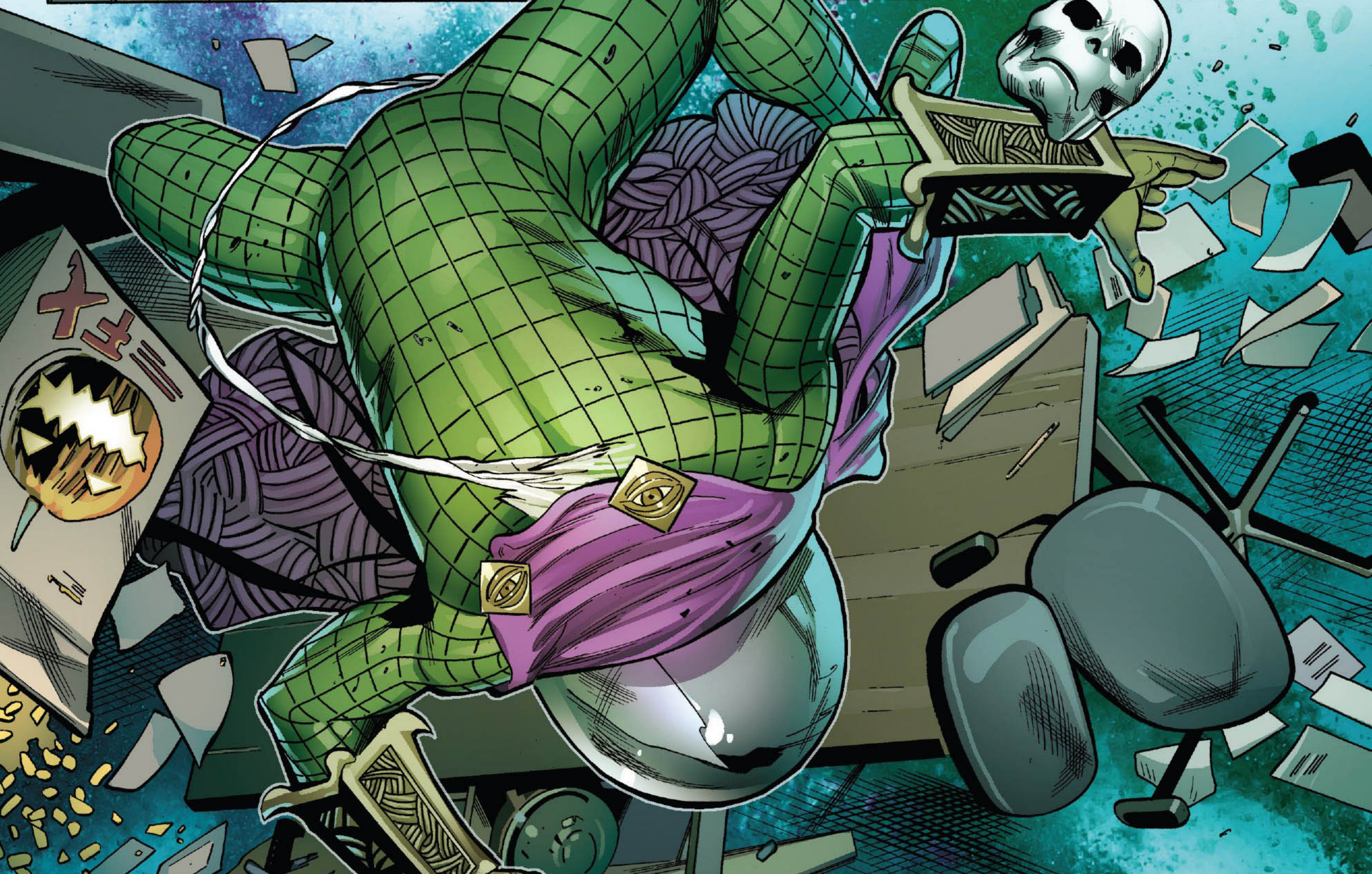


لعنتی.





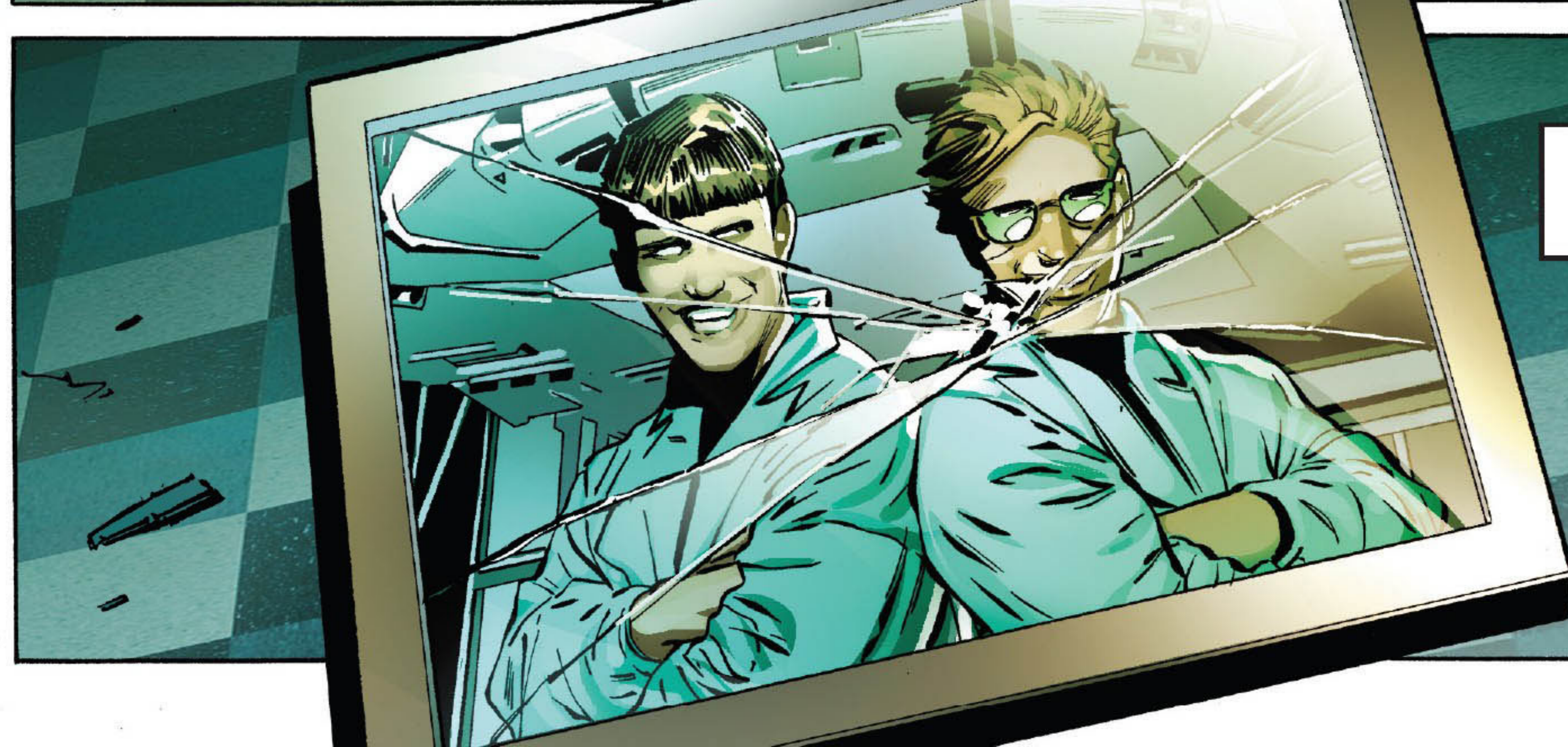
ARRRRHHH!!!



Unhhh...



"جانی، این قراره  
بزرگترین سرقت باشه."



"ایکاش یه دانشمند  
معمولی نبودى."

"دوست داشتم  
الان حامى من بودى."

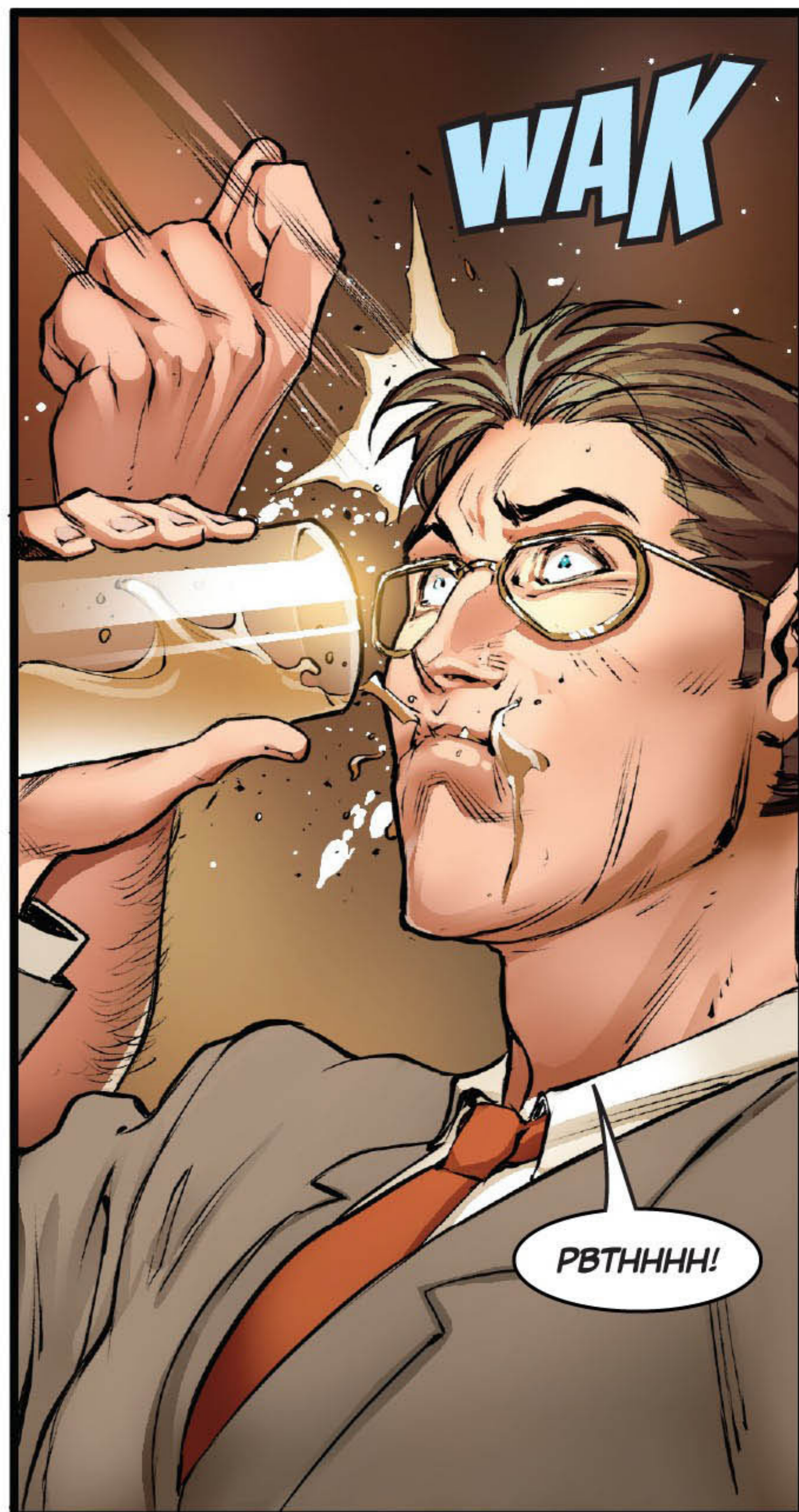


فصل اول: نقشه

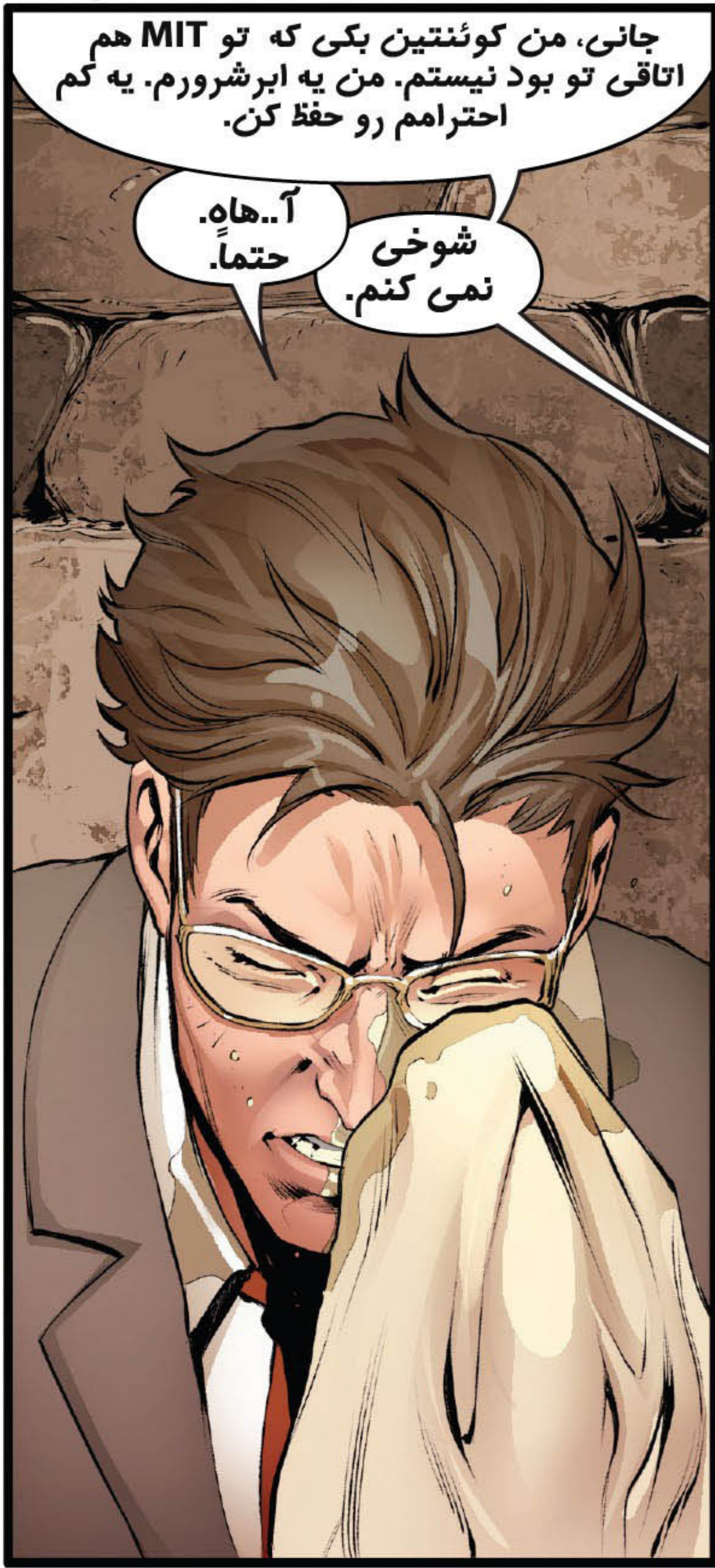
متأسفم  
کوئنتین. من از  
این کارها  
نمی‌کنم.

این چه معنی  
داره؟

می‌دونم  
نمی‌کنی.







جانى، من كوئنتين بكي كه تو MIT هم اتاقي تو بود نيستم. من يه ابرشورم. يه كم احترامم رو حفظ كن.

آ.. هاه.

شوخي نمي كنم. حتما.



هر دفعه كه با اسپايدرم من جنگي شكست مي خوري.

پسرا پاورپك هم مي تونه تورو شكست بده.

يه سري بدشانسي...!



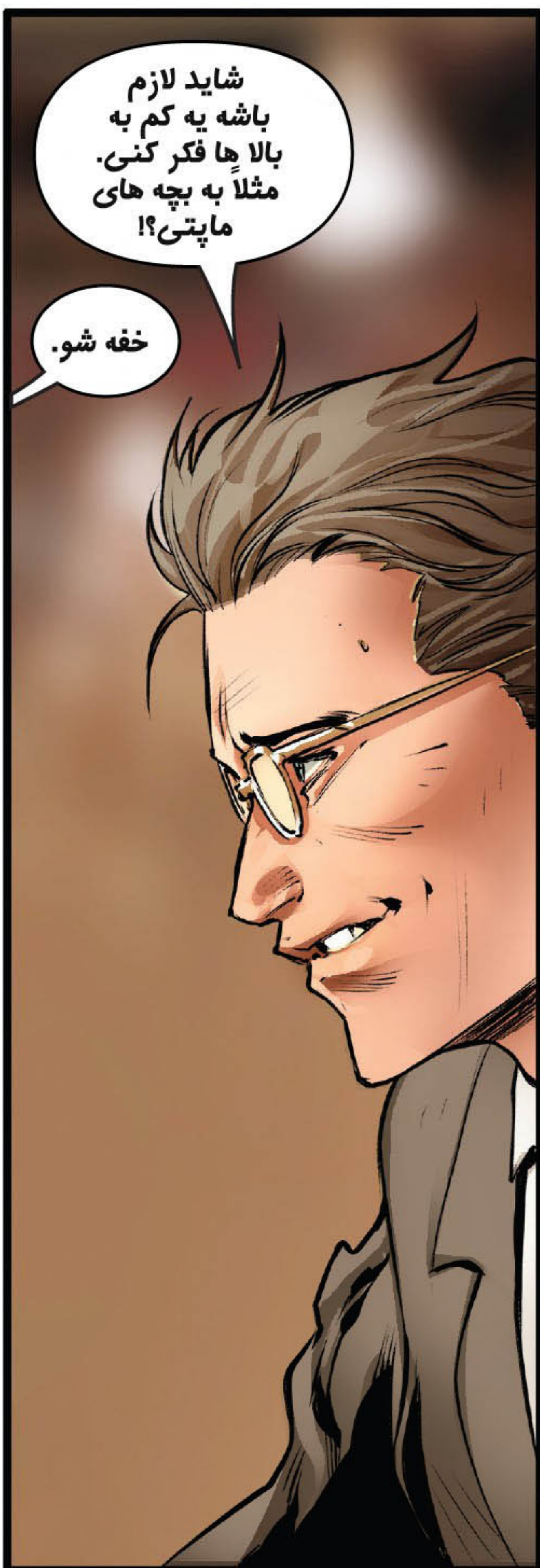
چرت و پرت نگو. اين اتفاق هرگز نمي افته.\*

با پاورپك ارتباط نداری؟! مثل زمان مهدكودك؟!!

نه.

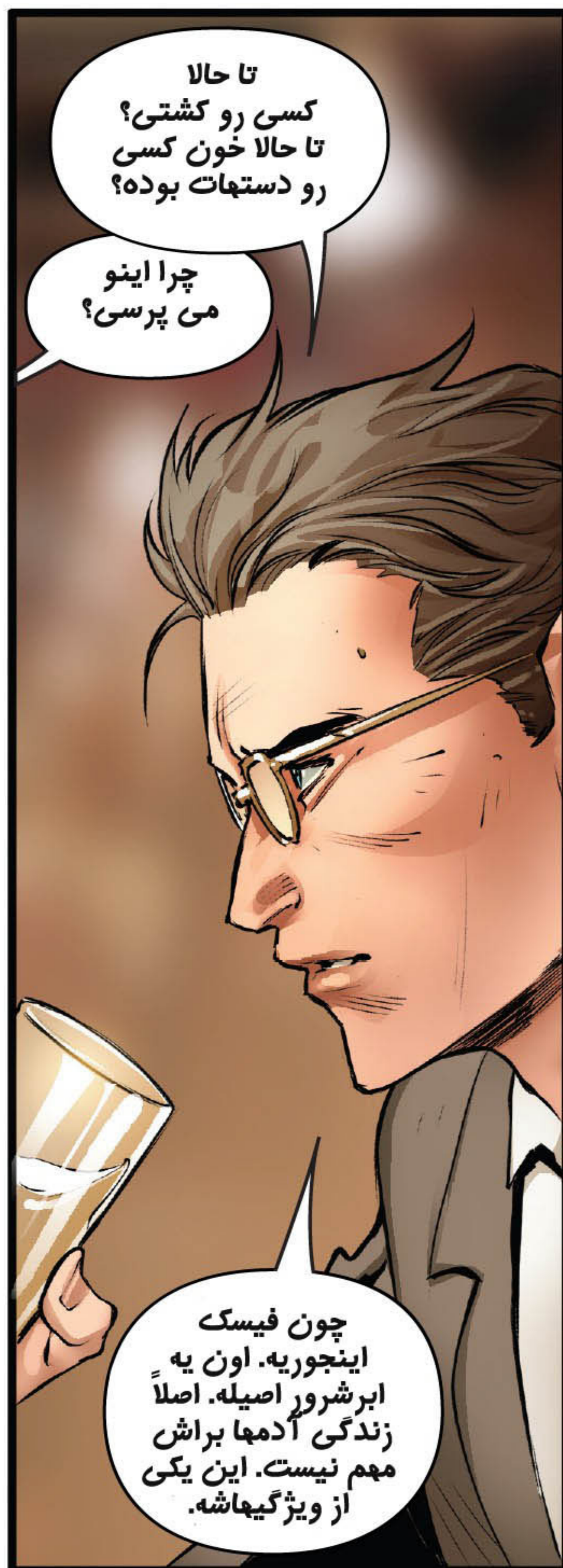
خوب، شايد با يكي از اونها. نکته اينه كه...!

\* راستش اين اتفاق تو Power Pack شماره ۵۵ افتاد!



شايد لازم باشه يه كم به بالا ها فكر كني. مثلا به بچه هاي ماپتي؟!!

خفه شو.



تا حالا كسي رو كشتي؟ تا حالا خون كسي رو دستجات بوده؟

چرا اينو مي پرسی؟

چون فيسك اينجوريه. اون يه ابرشور اصيله. اصلا زندگي آدمها براش مهم نيست. اين يكي از ويژگيهاشه.



تو بازبگر بدي هستي كوئنتين. هميشه بودي.

چند تا؟ تعدادش از دستم دررفته.

البته.



"اسناد قرضه الان در صندوق بانک دارند  
خاک می خورند و منتظر کسی هستند  
که اونجا رو از اونجا دربیاره.

"یه شرکت فیلمسازی مستقل هست که  
پول زیادی رو به این بانک سرازیر کرده و  
یکی از شرکای بی نام و نشان اونجا این پول  
رو در اسناد قرضه سرمایه گذاری می کنه.

آره.  
چرا؟  
ببین... بانک  
سان تراست رو  
می شناسی؟ نیش  
خیابون ۵۳ و  
مدیسون؟

همین موضوع  
رو می خواستم  
بگم.

یه کم  
درجه ۲ به نظر  
میاد، مگه نه؟

یه دزدی  
بانک؟ این  
نقشه بزرگ  
تونه؟

می تونم از این  
یه کار به اندازه کافی پول  
دربیارم که یه جزیره تو  
جزایر دریای کارائیب برای  
تعطیلاتم بخرم.

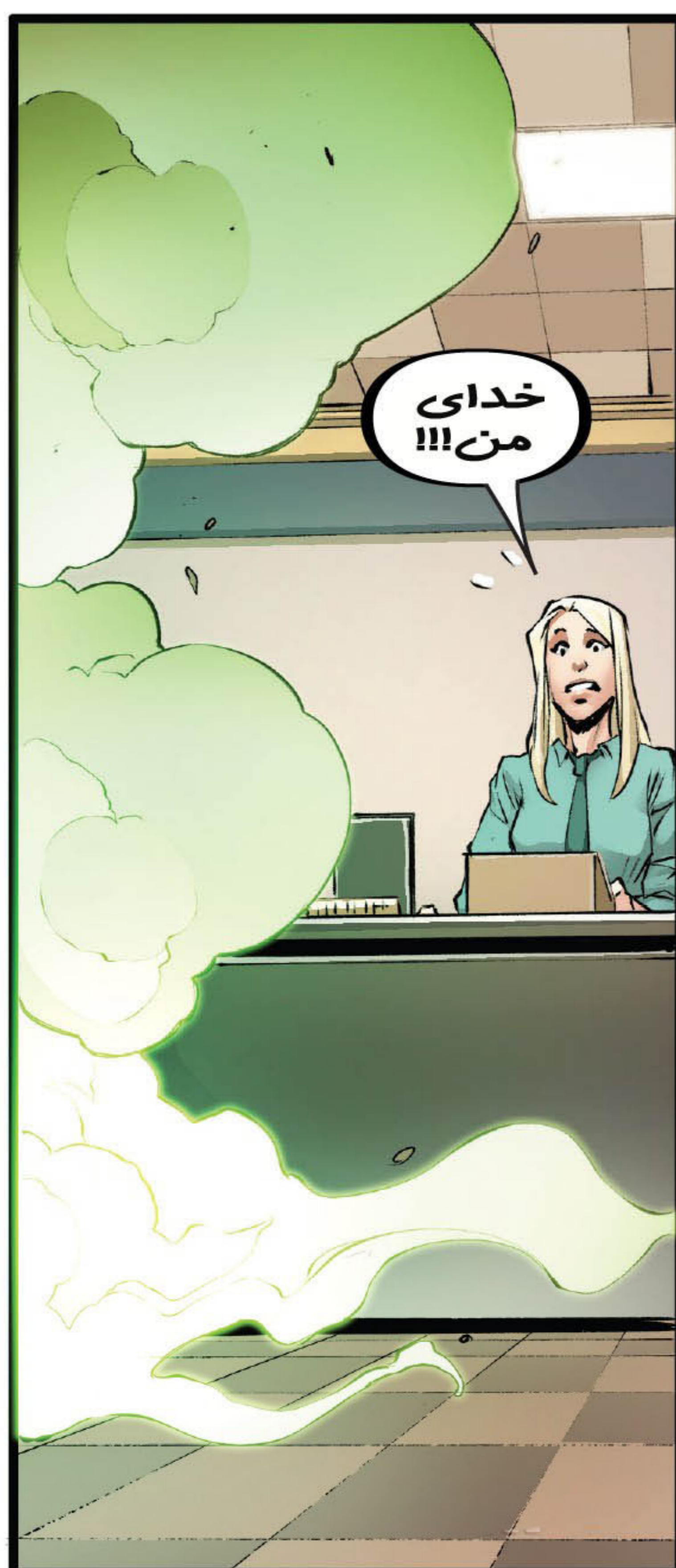
می تونه منو  
به عنوان یکی از بازیگرای  
اصلی تو شهر مطرح کنه.  
شاید هم اسپایدرمن رو کشتم.  
می تونم یکی رو استخدام  
کنم این کارو برام  
بکنه.

من هنوز  
نیستم.

آرزو می کنم  
خوش شانس  
باشی.

من شانس  
خودم رو  
می سازم.









همون کاری  
رو بکن که بهت  
می گم.

لطفاً به من  
صدمه نزنید... من  
شوهر و یه دختر  
کوچیک دارم.

اگه از من  
اطاعت کنی اتفاقی  
نمی افته. در صندوق  
رو برام باز کن.

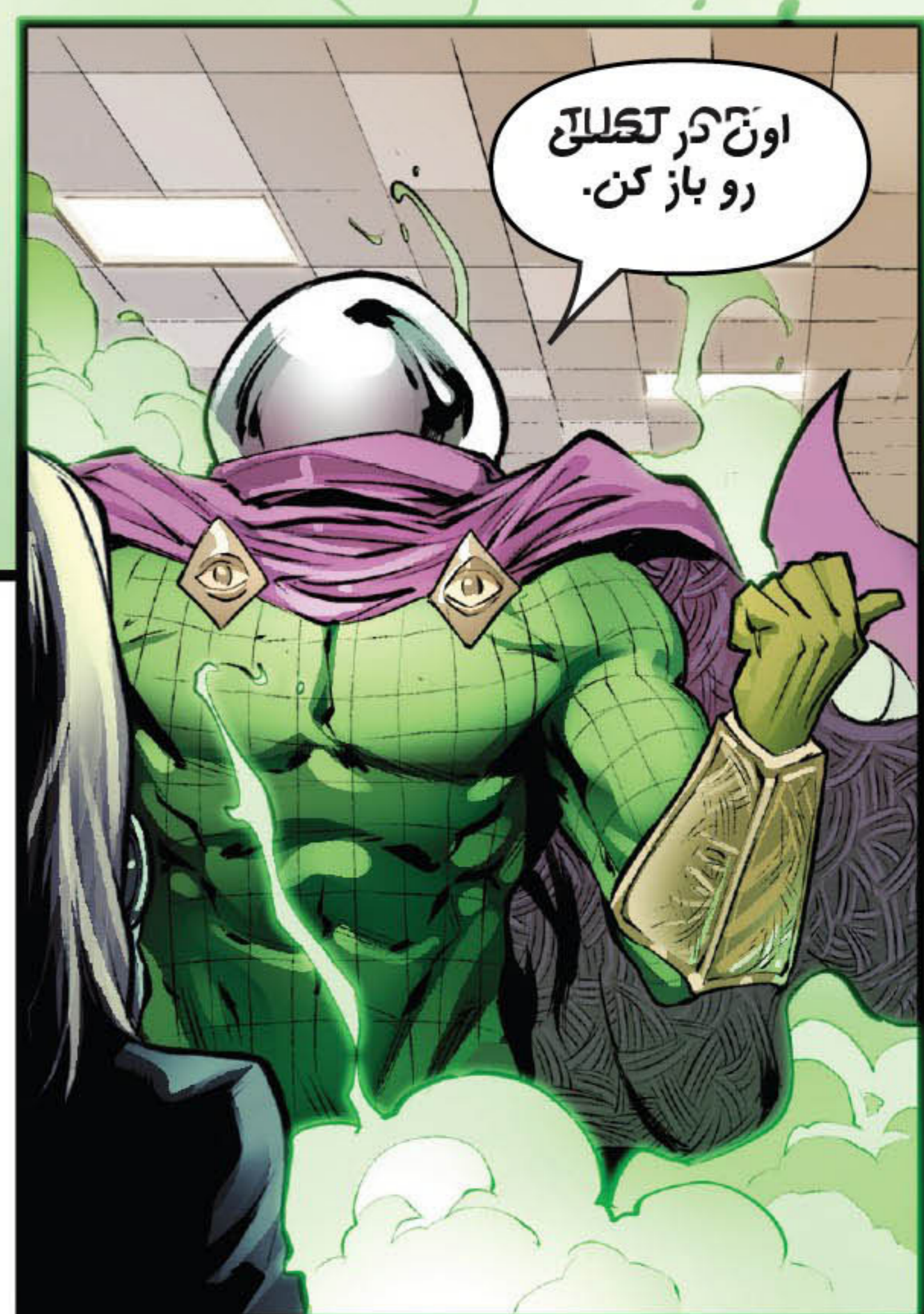
مسخره بازی  
در نیاری...

تو کی  
هستی؟

بدترین کابوس  
تو.



یعنی خواب  
امتحانی که برات  
درس نخوندم یا خوابی  
که توش لباس تنم  
نیست؟



اون کار تکلیفی  
رو باز کن.

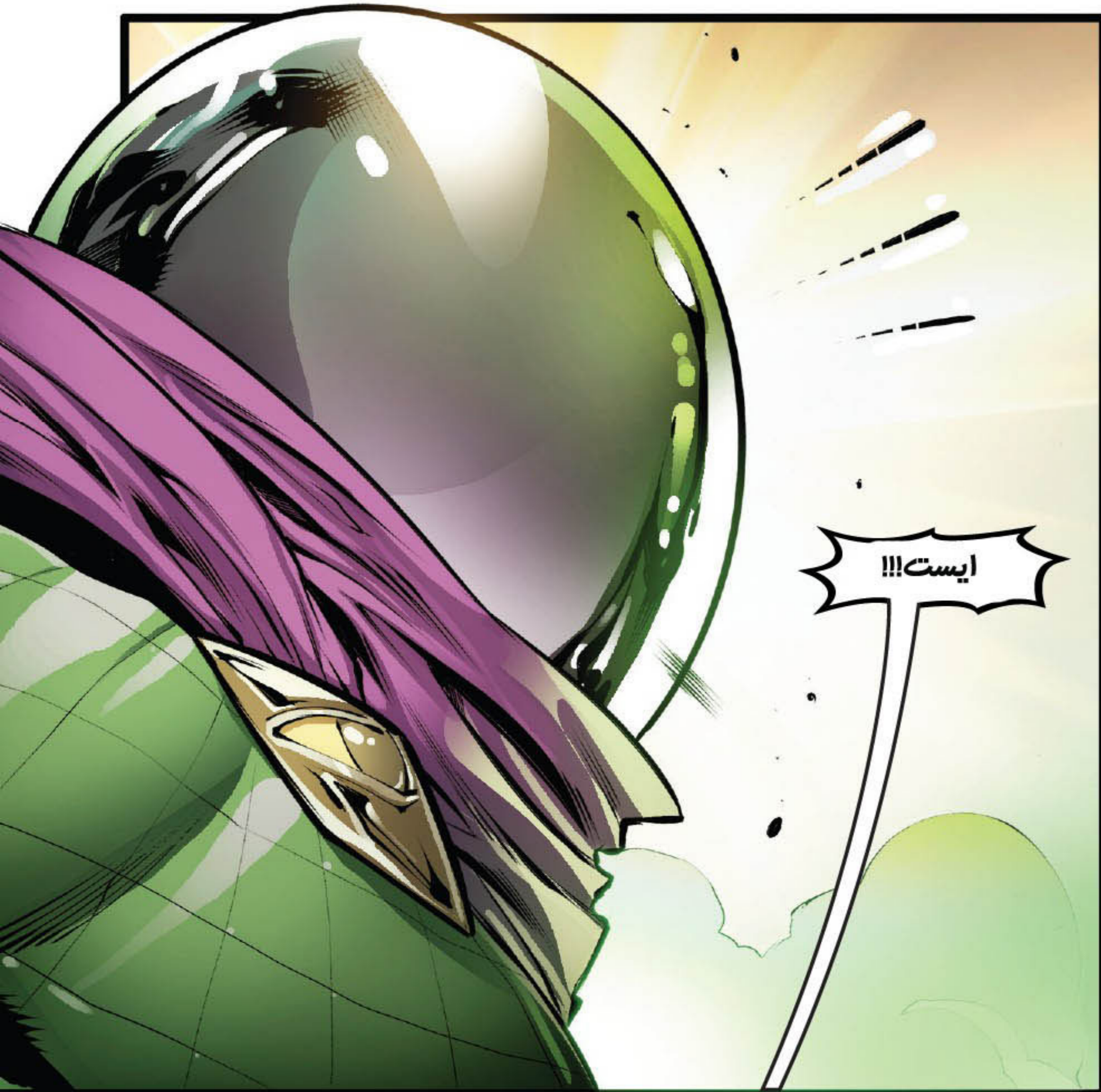




عالی شد.

حالا چطور  
می خواهی از  
اینجا ببری شون  
بیرون؟

با اونش  
کاری نداشته  
باش...

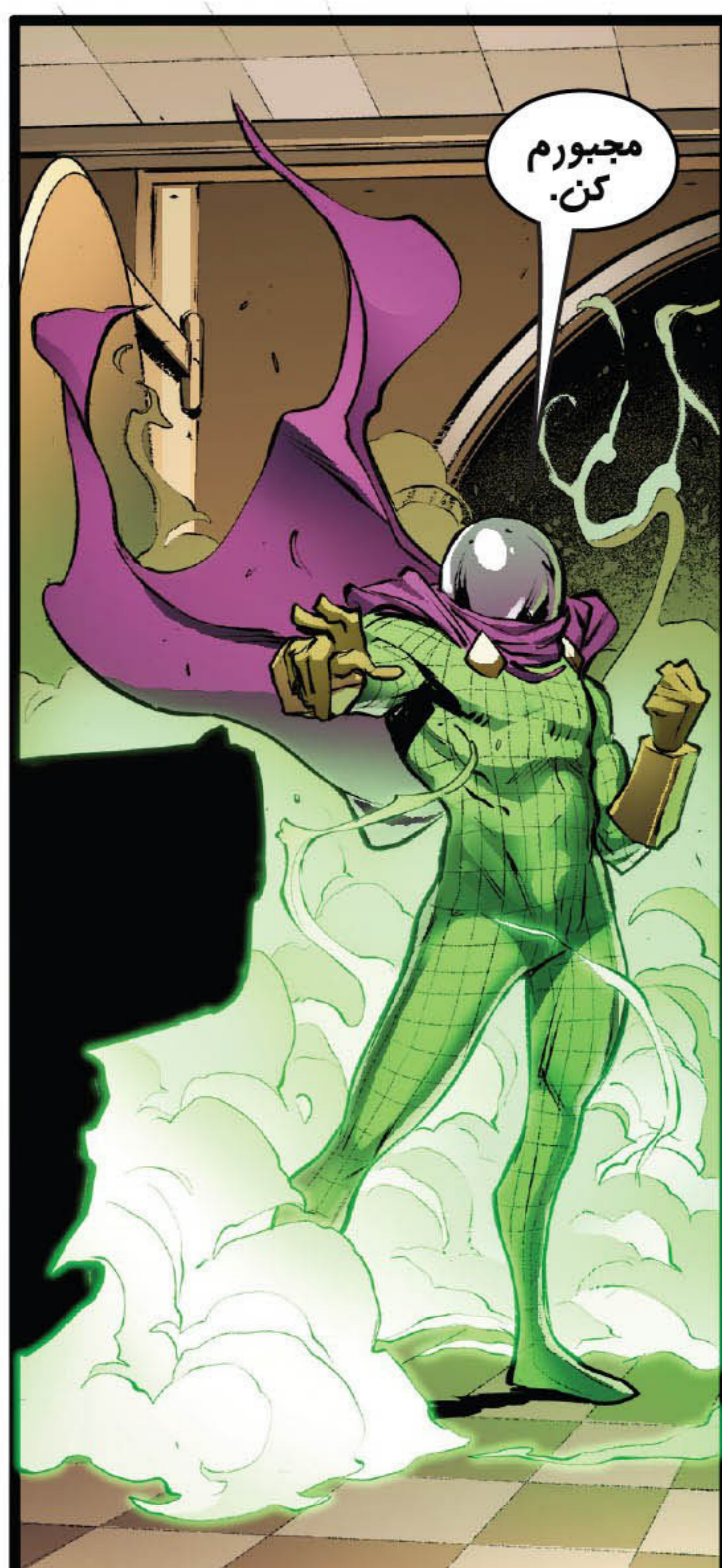


ایست!!!

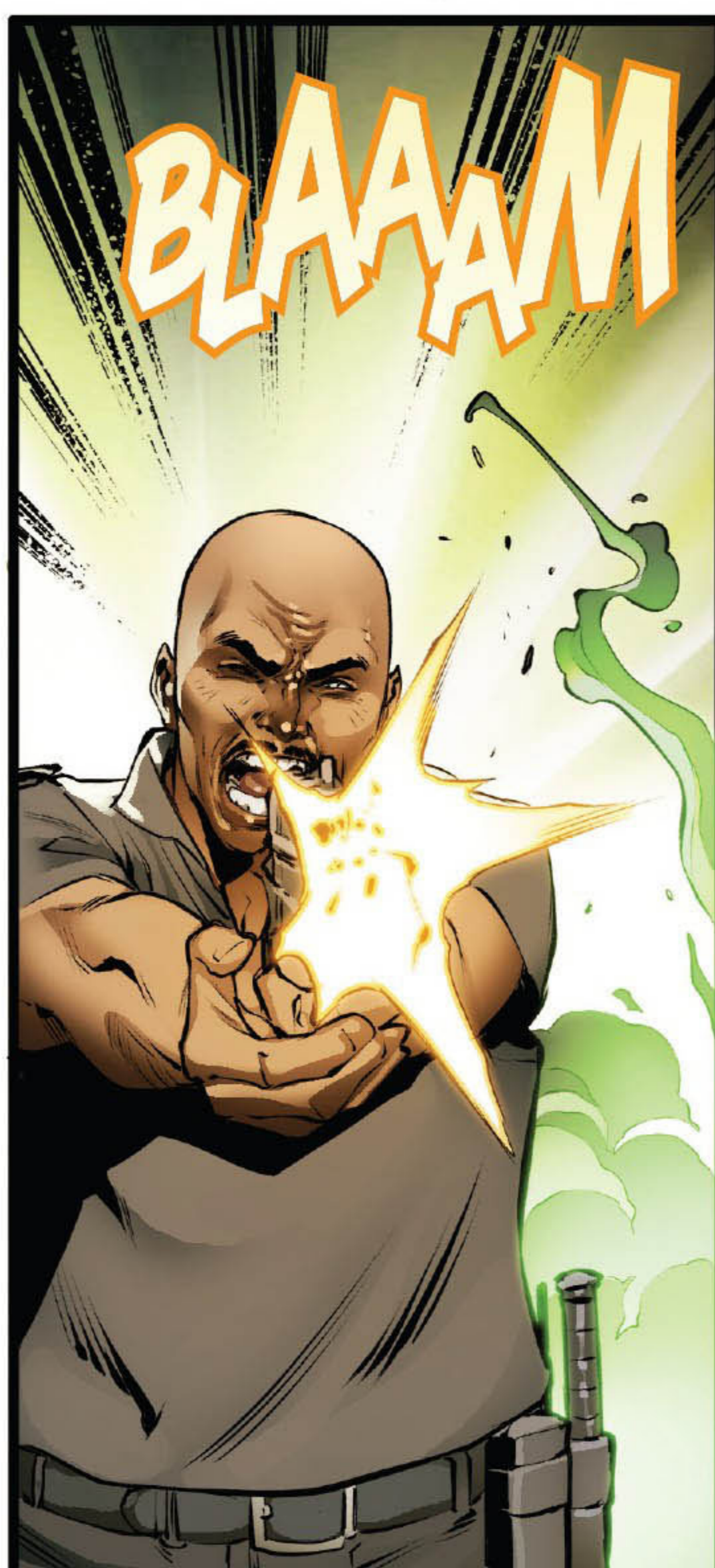


بدشانسی  
چقدر. اول که اومدی  
من تو توالت بودم!

دستها بالای  
سر. الان!



مجبورم  
کن.

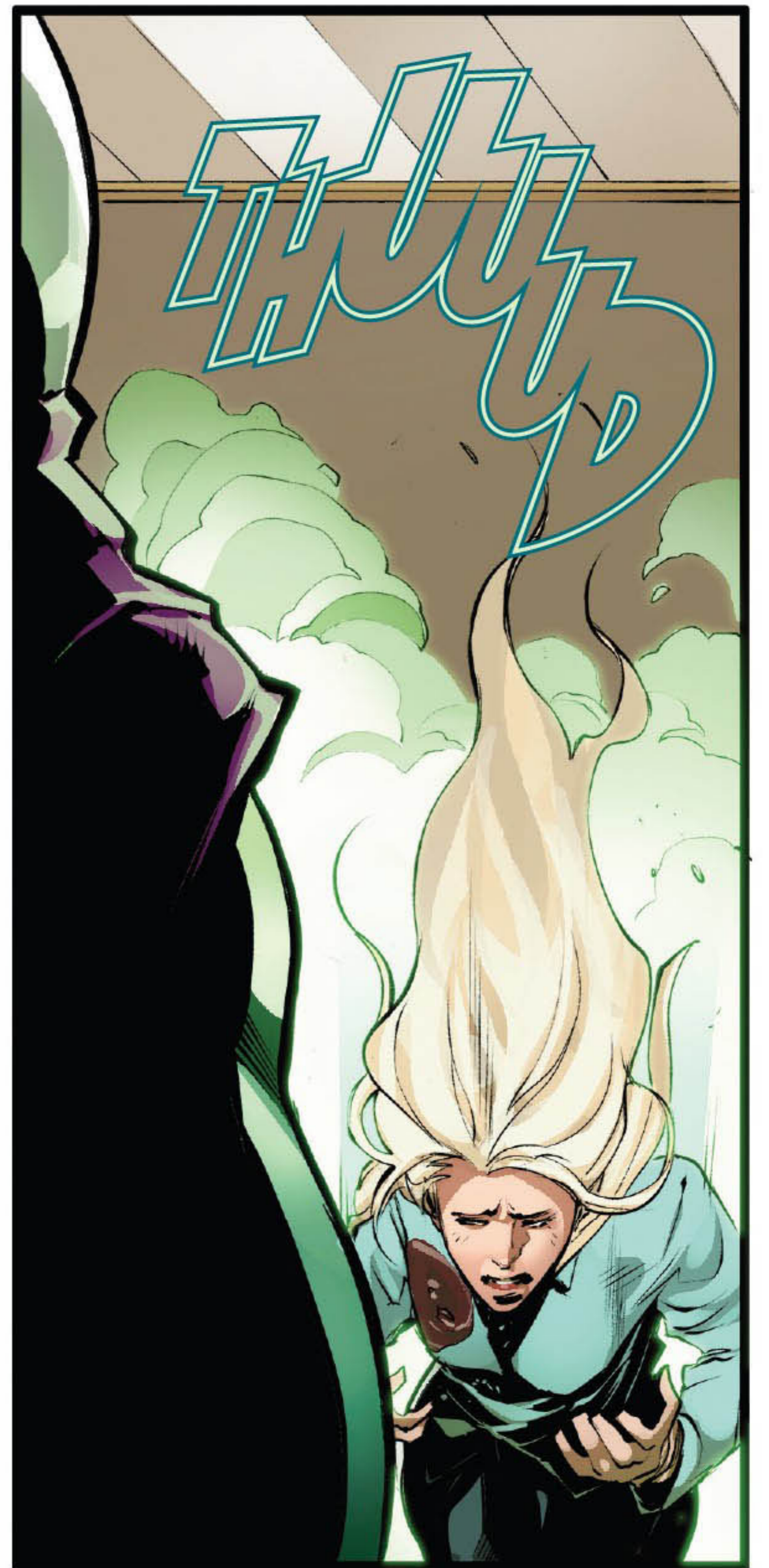
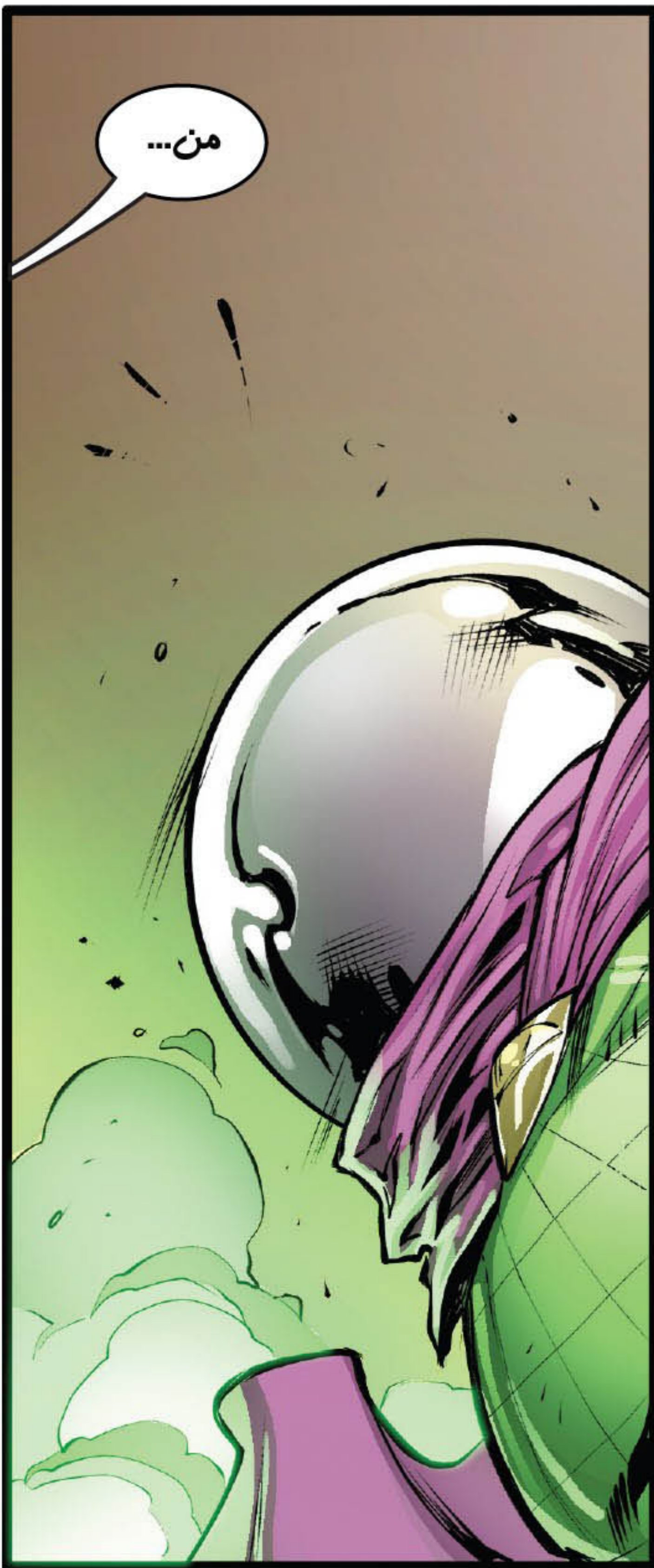


BLAAAM



WAAAM







نمی تونی  
بالا تر بپری اسپایدرمن!  
اینجا آخر خطه!

ولی اگه اون  
نقاشی رو بدی به  
من. می دارم زنده  
بمونم!

می بینی همینجاست  
که می بازی... در مورد  
زنده گذاشتن من شک داری.  
اصلاً مال این حرف ها  
نیستی.

باید به لبه  
پشت بام برسم.  
یه پرش خفن  
در پیشه.

سه...  
دو...



یه طناب  
سفت هم وقتی  
نیاز داری پیدا  
نمی شه.

ها! حالا  
ببینیم یه وزغ  
کانگورو یا بتراک  
می تونه اینقدر  
بپره!

این کاریه  
که یه قهرمان  
می کنه: آدم بدها  
رو مجبور به پرش  
می کنه.

پسر، خودمم  
به خنده می اندازم.  
باید یه تور برای خودم  
راه بندازم یا یک شو  
یک نفره برادوی.

نه بابا! کی  
می خواد اسپایدرمن  
رو تو برادوی  
ببینه؟





فکر می کنی  
کجا داری  
می ری؟!

فکر می کنی  
این سرقت هنری  
رو به این دقت برنامه ریزی  
کردم که بذارم تو برام  
نابودش کنی.

یه نمایشی که  
هر صد سال شاید  
یکیش اجرا بشه. نگهبان ها  
همه جا هستند. ولی  
نتونستند...

مرگه؟  
مالیات؟ ضربه  
کاری؟

انسان  
مگس!

لعنتی!  
اون حدس ۱۴۷  
من بود.

باشه، من دارم  
راجع به نوعی سبزی  
فکر می کنم...

کارت تمومه  
باهوش!





KRLLWANK



ببین من  
نمی خوام مایوست  
کنم...  
ولی انگار  
چاک دهنتم  
بازه.



SPILLIT



این تفی  
که کردی خیلی  
به کار میاد.  
ولی این  
شلیک های توری  
من هم بد  
نیستند.

SSSSSS



ARRRHHH!!!

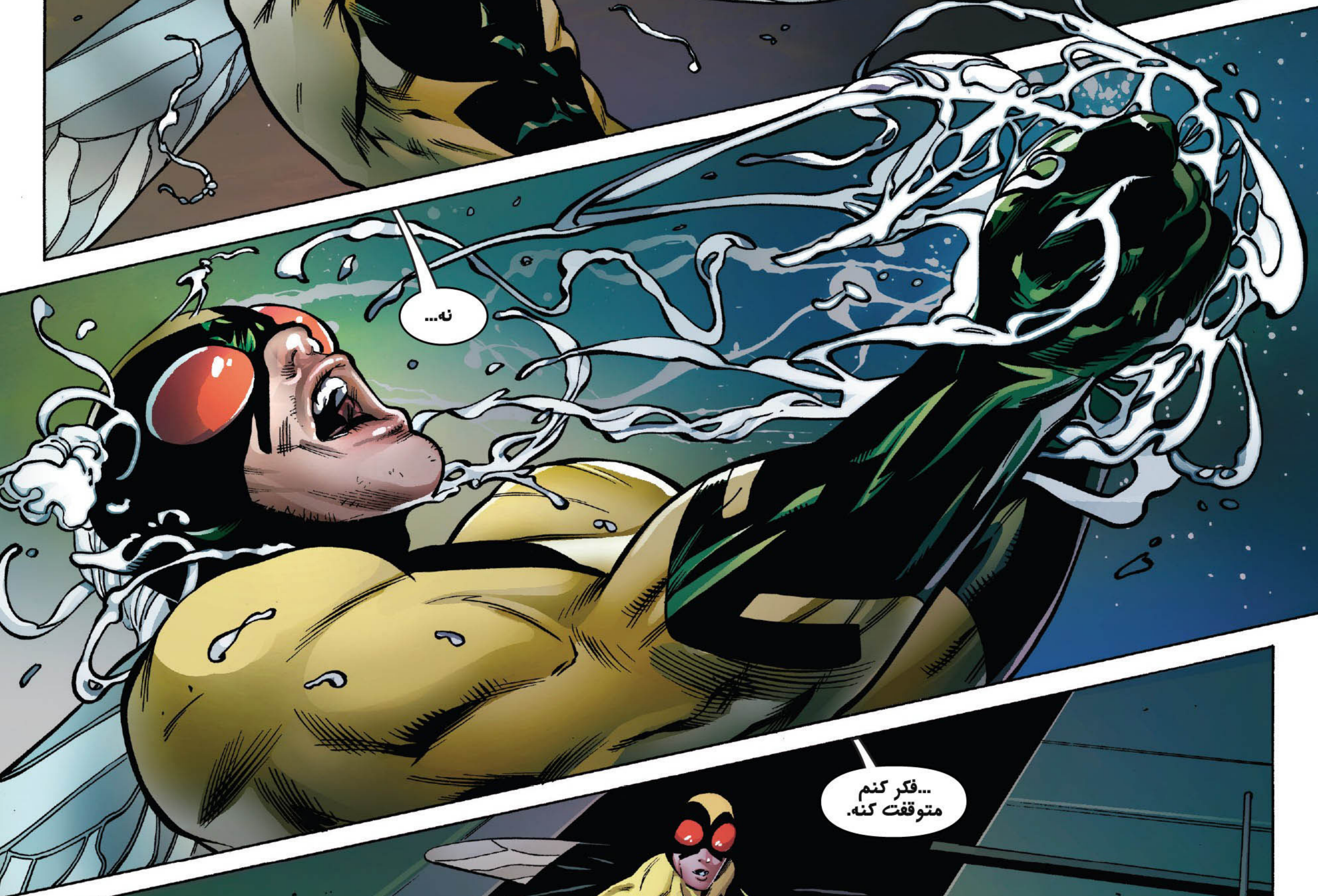
THWIP





احمق!

فکر می کنی  
این می تونه  
منو متوقف کنه!؟



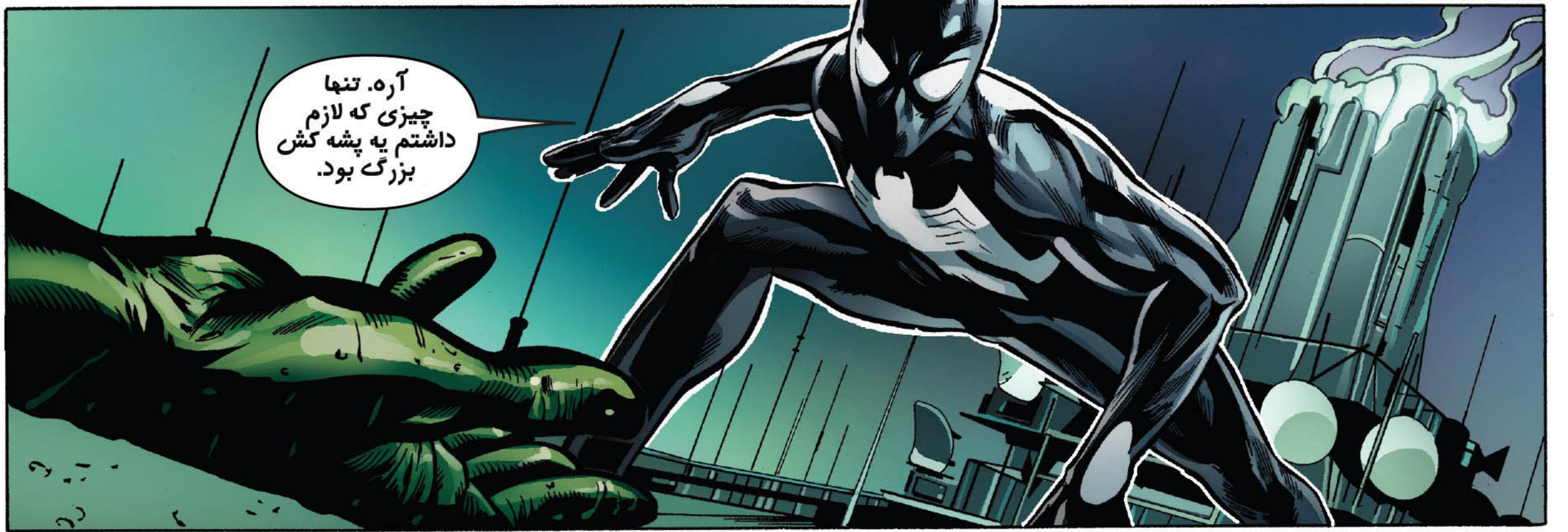
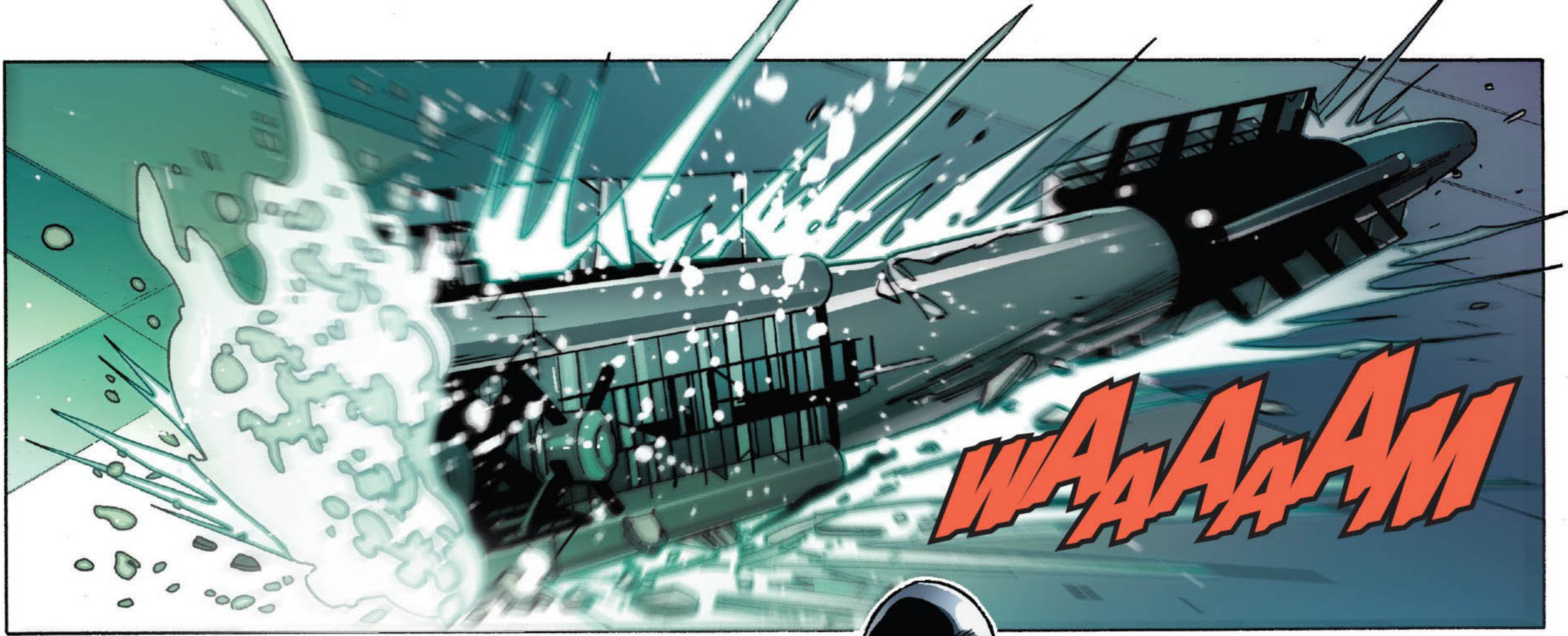
نه...

... فکر کنم  
متوقف کنه.

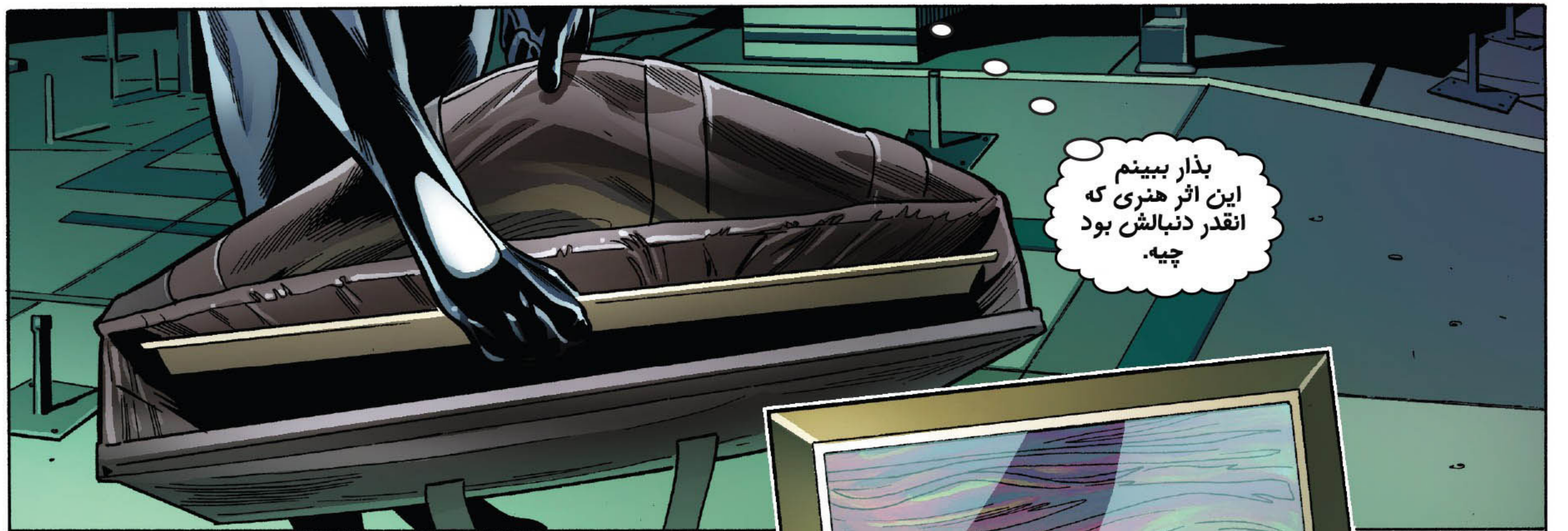


چی...  
نههههه!

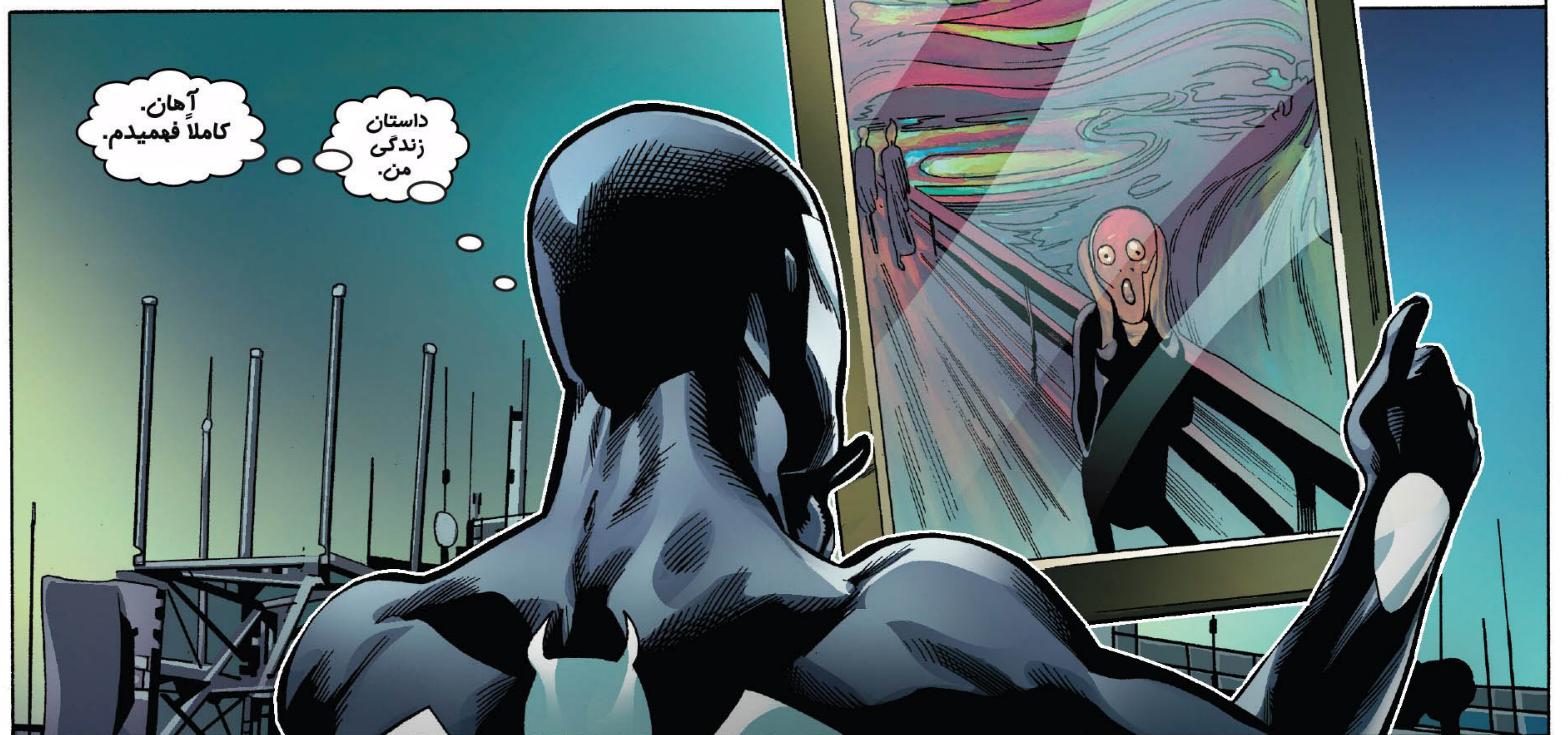




آره. تنها چیزی که لازم داشتم به پشه کش بزرگ بود.



بذار ببینم این اثر هنری که انقدر دنبالش بودم چیه.



آهان. کاملاً فهمیدم.

داستان زندگی من.



فصل سوم:  
یک موقعیت بد

DATE: ... GLE

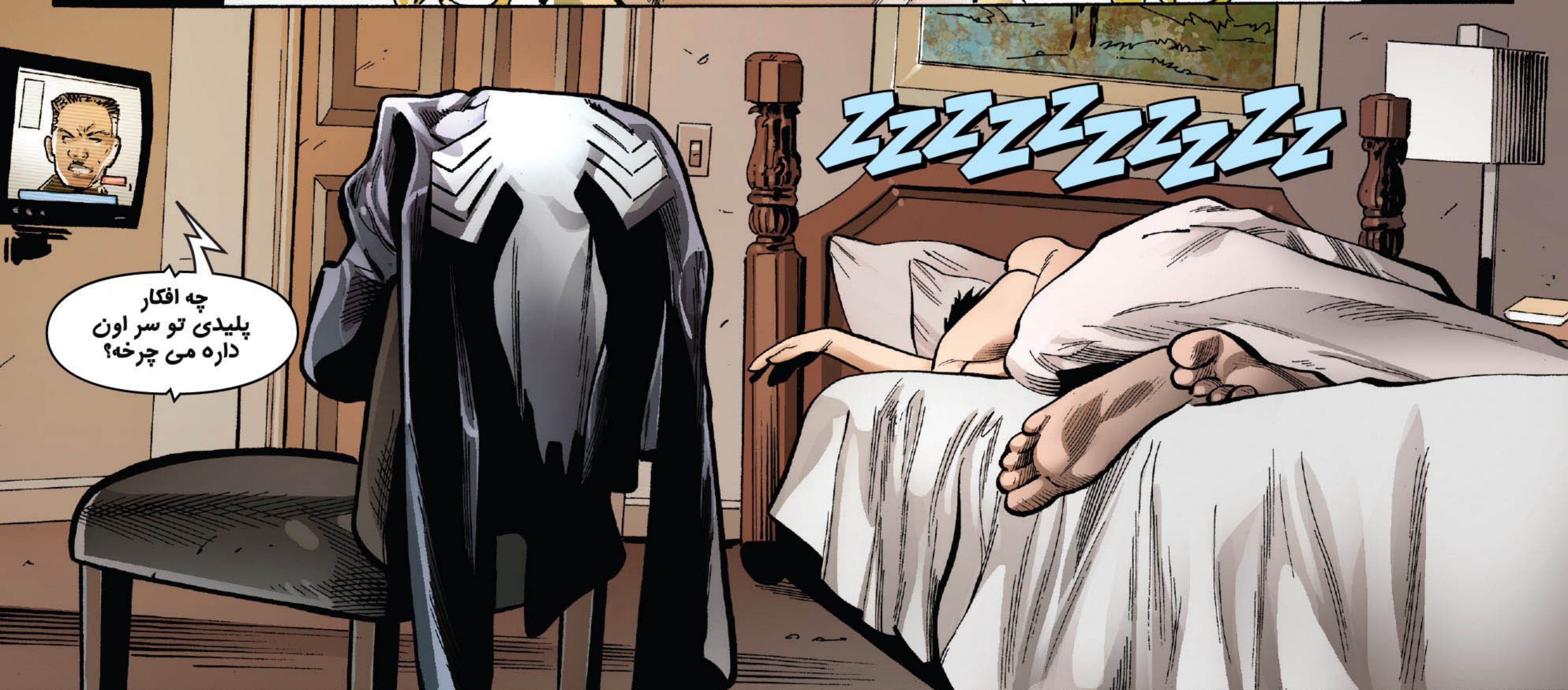
DA... GLE

Guest Editorial

خوب اسپایدر من  
فردی رو که فریاد  
می زد نجات دادا که چی؟  
اون باعث شد چند شبکه  
محلای هم از دسترس خارج  
باشن!

در این بین  
انتقام جویان در مورد  
حضور او در "جنگ سری"  
سیکوت اختیار کردند.  
قطعا از او حمایت می کنند.

کی می دونه  
الان مشغول چه  
کاریه؟



چه افکار  
پلیدی تو سر اون  
داره می چرخه؟

BANG BANG BANG

چی؟  
کی؟  
چی؟

پار کرا!  
کرایه!!!

فردا براتون  
میارم خانم...

خدای من،  
اسمش یادم رفته.

چرا باهش  
اینطور حرف  
می زنی؟

تا فردا حتماً  
میارم! یه چک خوابوندم  
به حساب..  
تا فردا نقد می شه!

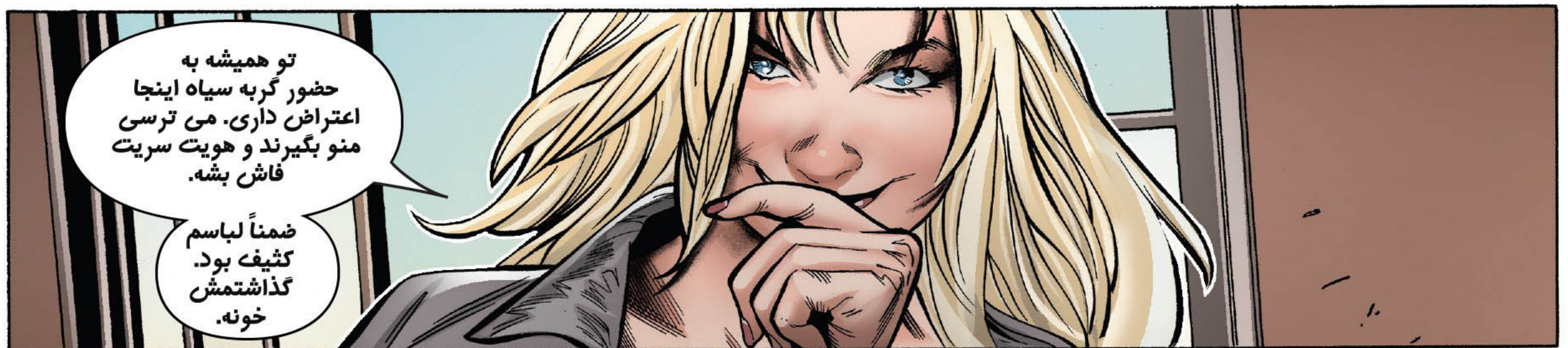
بهنتره اینطور  
باشه!





با تور سر و ته  
از یه جایی آویزونش  
کنی حالش جا میاد. برای  
حالت عصبیش  
خوبه.

فلیشیا!  
لیاس گربه  
سیاهت کو؟!



تو همیشه به  
حضور گربه سیاه اینجا  
اعتراض داری. می ترسی  
منو بگیرند و هویت سریت  
فاش بشه.

ضمناً لباسم  
کثیف بود.  
گذاشتمش  
خونه.



اگه کسی  
ببینتت که  
میایی بالا؟

یه بلوند  
دیوونه رو دیدند.

فلیشیا  
امروز اصلاً حال  
و حوصله جایی  
رفتن رو ندارم.

من باهات  
میام.

نه.



می دونی چرا همیشه عصبانی می شی؟  
چون پیتر پارکر برام اصلاً مهم نیست.  
من فقط عاشق اسپایدرمنم. نه... این.

فکر کردم  
می تونم یه روز  
با پیتر سر کنم. از  
نظرش بدونم. ولی  
اگه منو کنار  
بزنی...



باشه.  
باشه. تو راست  
می گی.

فقط  
بذار لباسم رو  
بپوشم.



شاید هم  
لازم نباشه.





شاید  
بعدا.



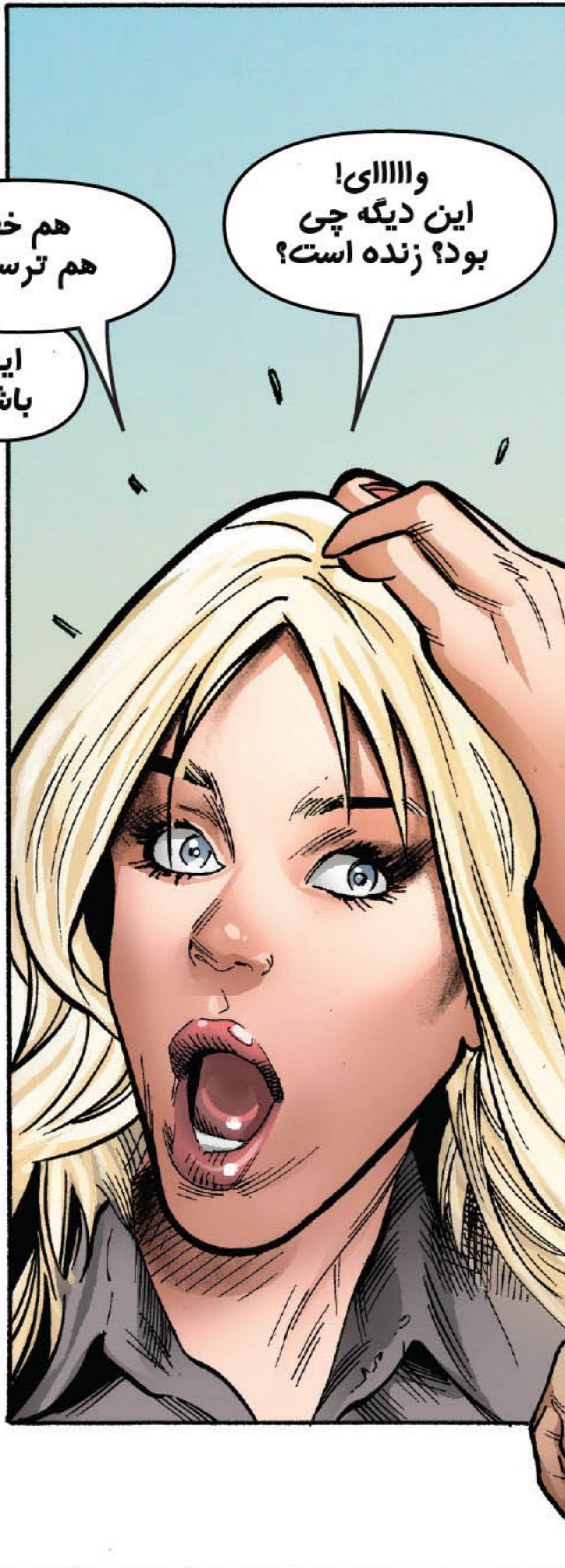
ووو!!!!!!

پرتاب کننده  
تورت کجاست؟

این لباس  
خودش سیستم  
تورساز مخصوص داره.\*

هم خفته  
هم ترسناک.

اینو  
باش.



واااای!  
این دیگه چی  
بود؟ زنده است؟



اوه نه. نه.  
اونو تو بتلورلد پیداش  
کردم. این ماشین با  
پارچه خودش لباسم  
رو تعمیر کرد.

داستان پیتر  
پارکر ۹۱



این لباس  
ذهن تو رو هم  
می خونه؟

آره.

زنده  
است.

زنده نیست.  
یه تکنولوژی بیگانه  
است!



باشه.  
تکنولوژی بیگانه  
باشه.

خوشحالم که  
سر این موضوع  
توافق...

زنده است.



هر چی.  
بیا بریم.

کجا داریم  
می ریم؟

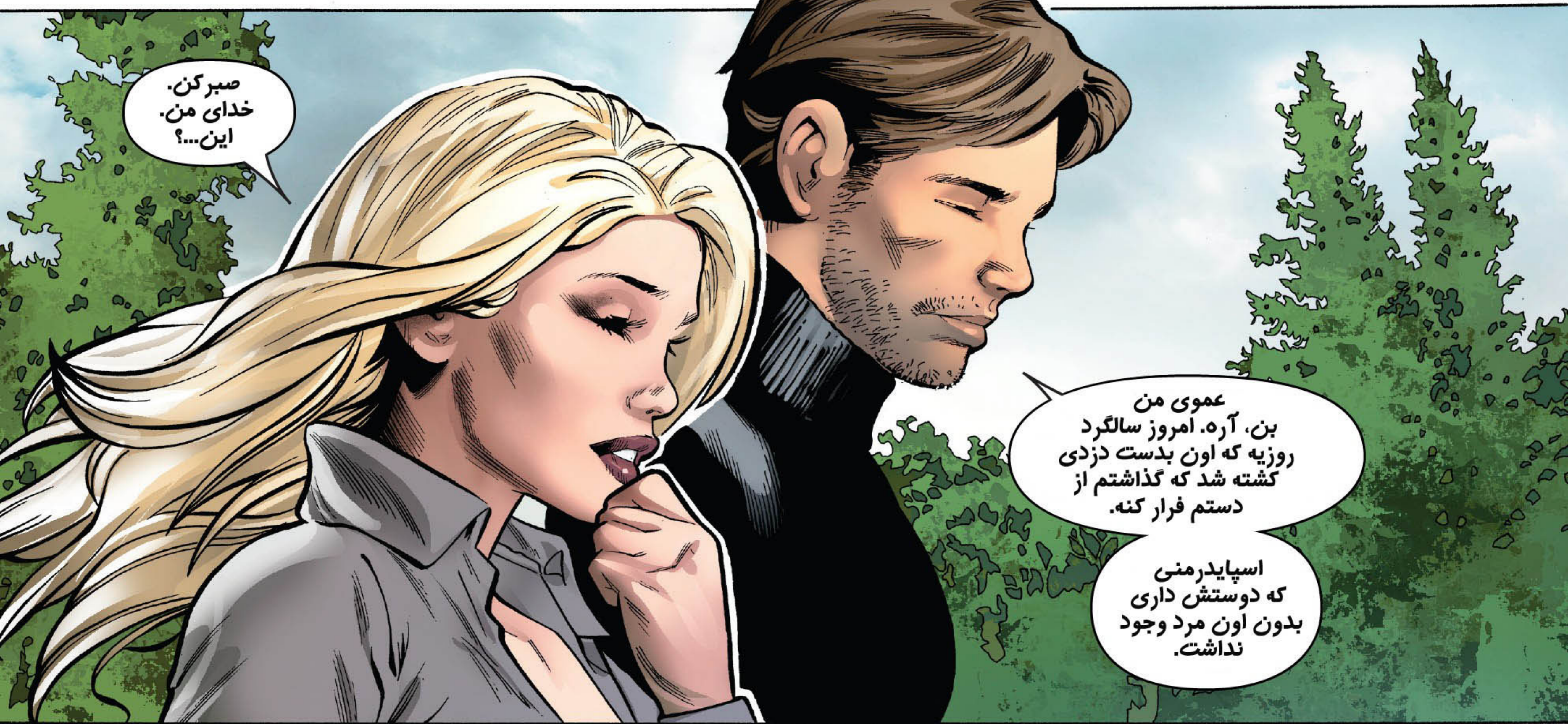




"حتماً شوخیت گرفته."



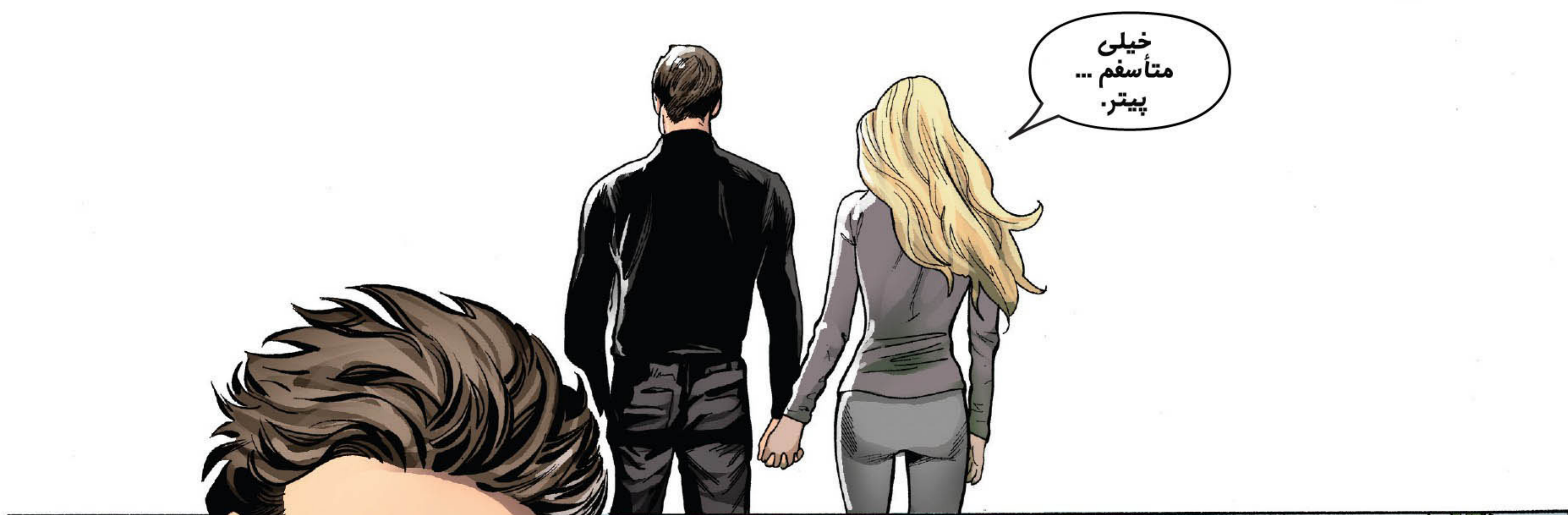
بنجامین پارکر؟ کی...



صبر کن. خدای من. این...؟

عموی من بن. آره. امروز سالگرد روزیه که اون بدست دزدی کشته شد که گذاشتم از دستم فرار کنه.

اسپایدر منی که دوستش داری بدون اون مرد وجود نداشت.



خیلی متأسفم... پیتر.



فقط... می خواستم ببینی. تا یه کم بیشتر درکم کنی...

...بفهمی من چرا اینطوری ام. شاید این کار از مشکلاتی که پیتر می سازه... برای... برای...

...برای...

خدای من.





اون کوننتین بکه.  
اون بکه.

اون میستریوئه  
که داره به من  
نگاه می کنه.



اون می دونه  
خدای من...  
من کی ام.

چطور؟

ولی باید بدونم.



اون رفت.  
ولی نمی تونه  
زیاد از اینجا دور  
شده باشه!

باید برم  
دنبالش.

من هم  
باهات میام.



لیاستو  
همراهِت نیارودی!  
یه تاکسی بگیر  
برو خونه!

شوخیست  
گرفته؟!



تورو خدا،  
پیتر...!

پیتر؟



منظورت  
برادرزاده من  
پیتر نبود که؟



قرار نبود این  
اتفاق بیفته.

قرار بود  
وارد بشم  
پولو بگیرم و  
برم.

AUDREY  
HENNING  
BELOVED  
WIFE AND MOTHER

قرار نبود  
کسی کشته  
بشه.

نمی خواستم  
کسی کشته بشه.  
...من...

حق با جانی  
بود. لعنت. انقدر  
باید وقت بگذره تا  
متوجه بشم.

من یه  
ابرشور نیستم.  
همه اش تظاهر کردنه.  
با حقه های دیگه ام  
فرقی نداشت.

دیگه بسه.  
نباید کسی دیگه  
بخاطر من کشته  
بشه.

بذار یکی  
دیگه اسپایدرمن  
رو شکست بده. کار  
من تمومه. کسی  
دلش برای من  
تنگ نمی شه.

خدای  
من اون  
...

آدریه؟

نه. نه.  
البته که نه.  
دارم روح می بینم.  
ولی موهاش همون  
رنگیه...

بهتره از  
اینجا برم. نمی خوام  
دردسر درست  
کنم.





دیگه از  
دردسر سازی  
خسته شدم.

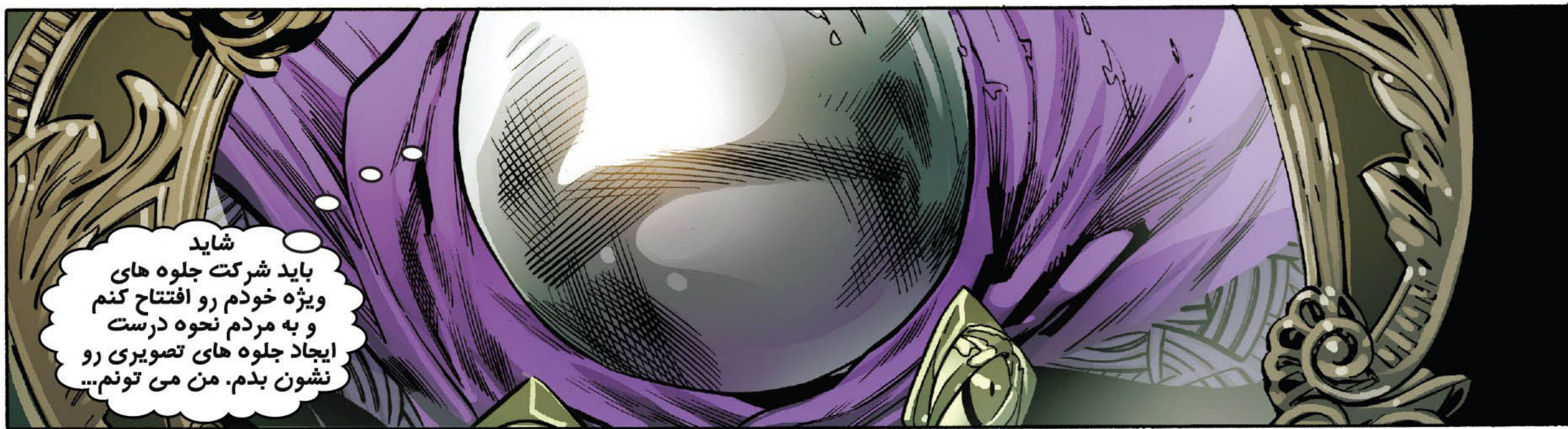
ولی...



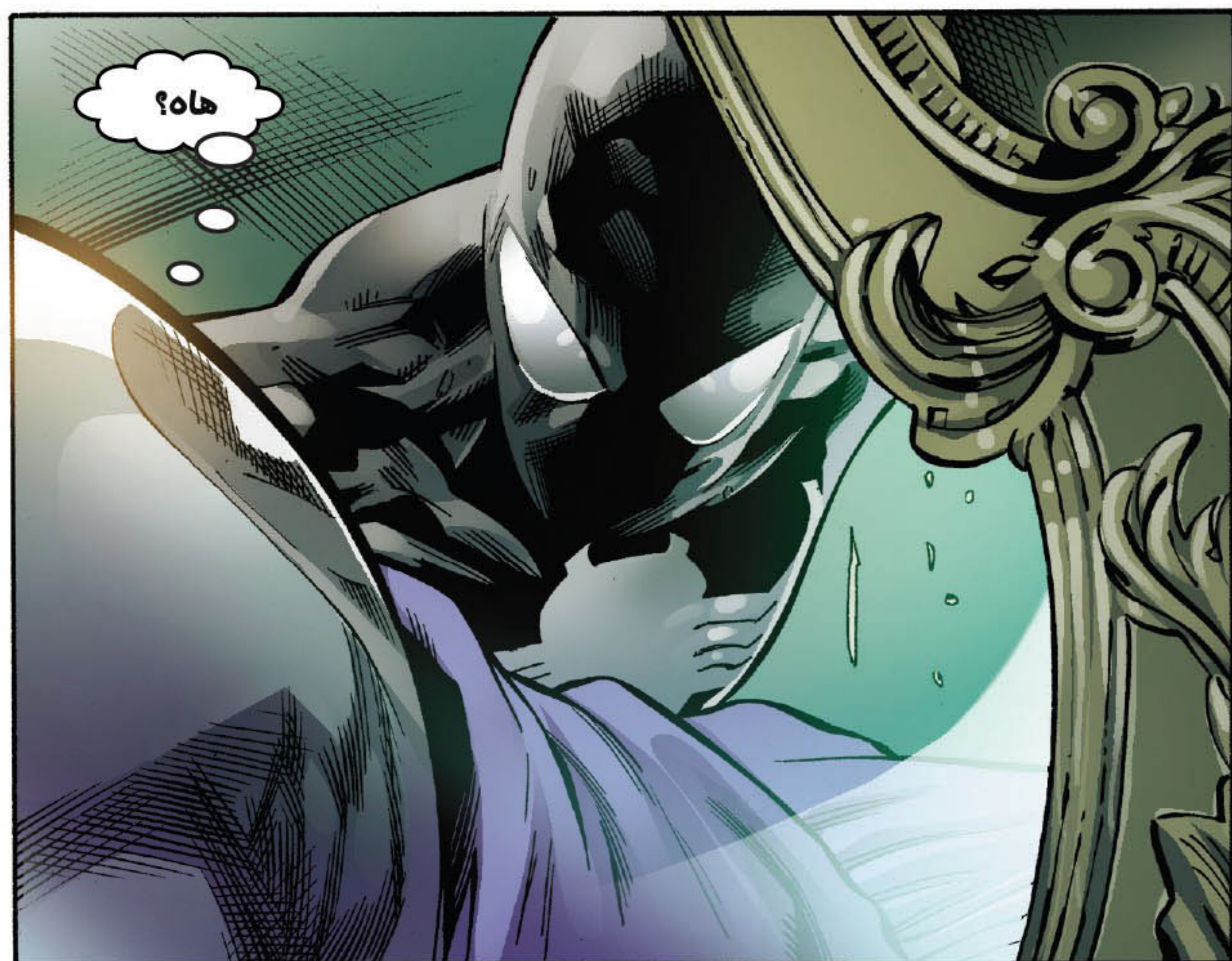
شاید باید یه  
فیلم کوتاه بسازم  
و از ارتکاب جرم و  
خشونت به عنوان میستر یو  
برای همیشه استعفا بدم.

سالها زندگی  
من به این شکل  
بوده. سخته همه اش  
رو بذارم کنار.

ولی اون  
زن بیچاره بخاطر  
من مرد. دیگه...  
نمی تونم.



شاید  
باید شرکت جلوه های  
ویژه خودم رو افتتاح کنم  
و به مردم نحوه درست  
ایجاد جلوه های تصویری رو  
نشون بدم. من می تونم...



هاه؟



WAAAAH

KRASH



چرا حسن  
اسپایدری من خاموش  
نمی شه؟

اون خطرناکه.

**BAM BAM**

**THUD**

حتماً به حقه  
دیگه است. قبلاً  
هم راه هایی برای به اشتباه  
انداختن حسن من پیدا  
کرده.

**KRIIUNGH**

خوب، دیگه  
نمی دارم منو  
به اشتباه  
بندازه.

**WAM WAM WAM**





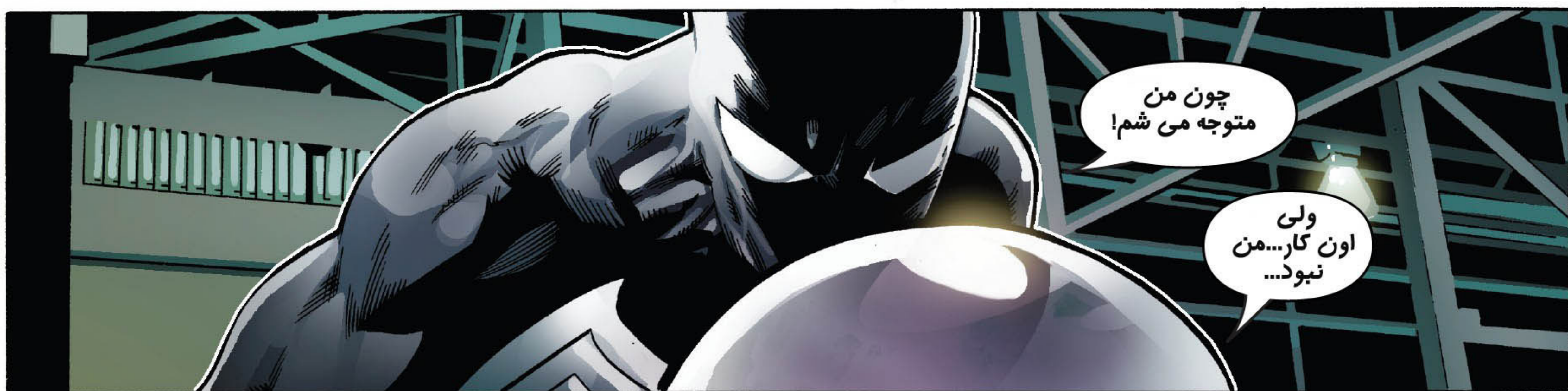
اون  
قبری که نزدیکش  
بودی چک کردم.

مال زنی  
بود که تو سرقت از  
بانک کشته شد.  
کار تو بود، مگه  
نه؟



سرقت  
بانک؟ نه...

من نبودم.  
قسم می خورم! از  
کجا فهمیدی که من  
تو قبرستون بودم؟



چون من  
متوجه می شم!

ولی  
اون کار... من  
نبود...



اعتراف  
کن!



یه فکر  
بکن... یه فکری  
بکن...

اون  
خواهر من  
بود!

خیلی  
می بخشی که  
برای خواهرم  
عزاداری کردم!

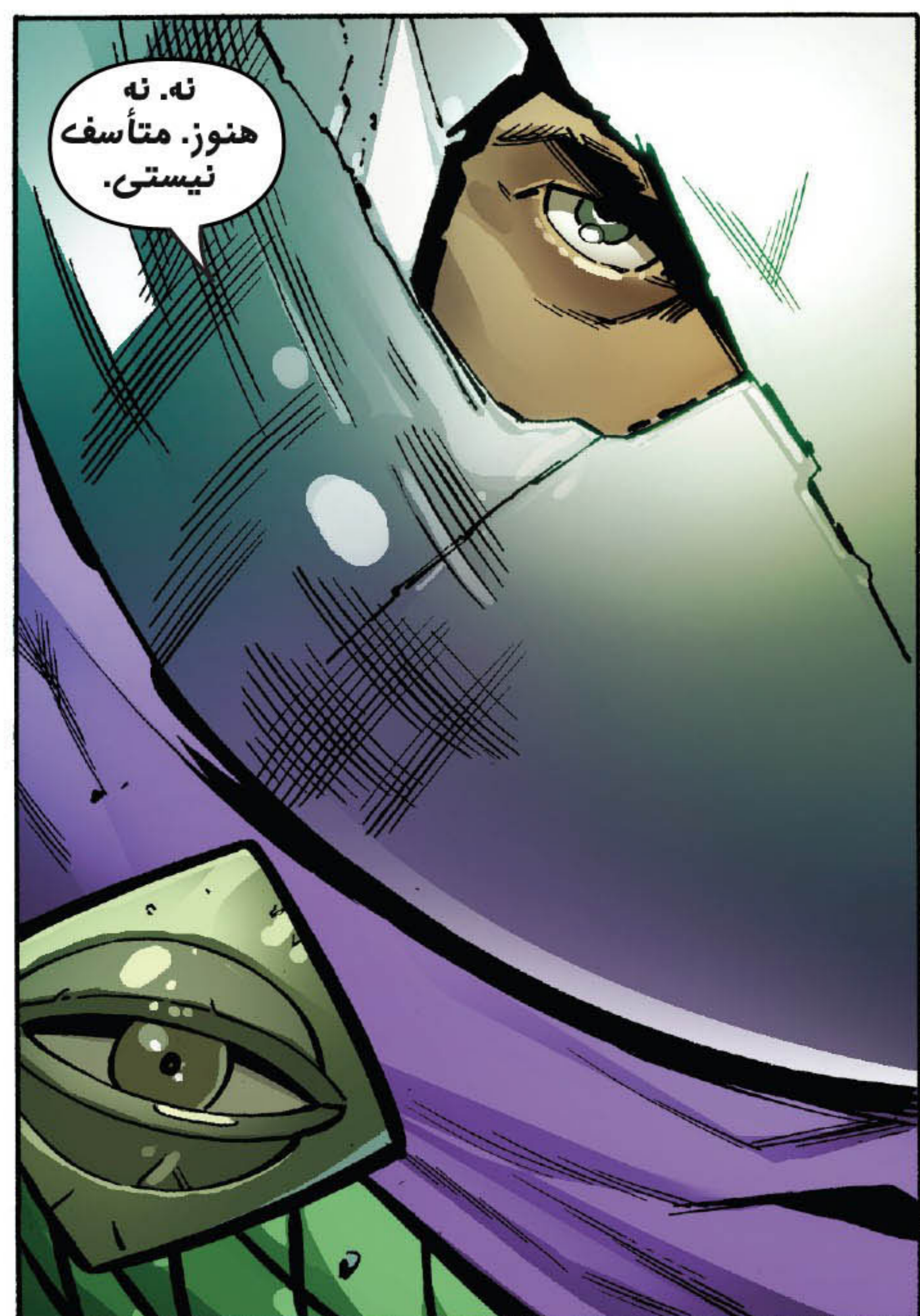




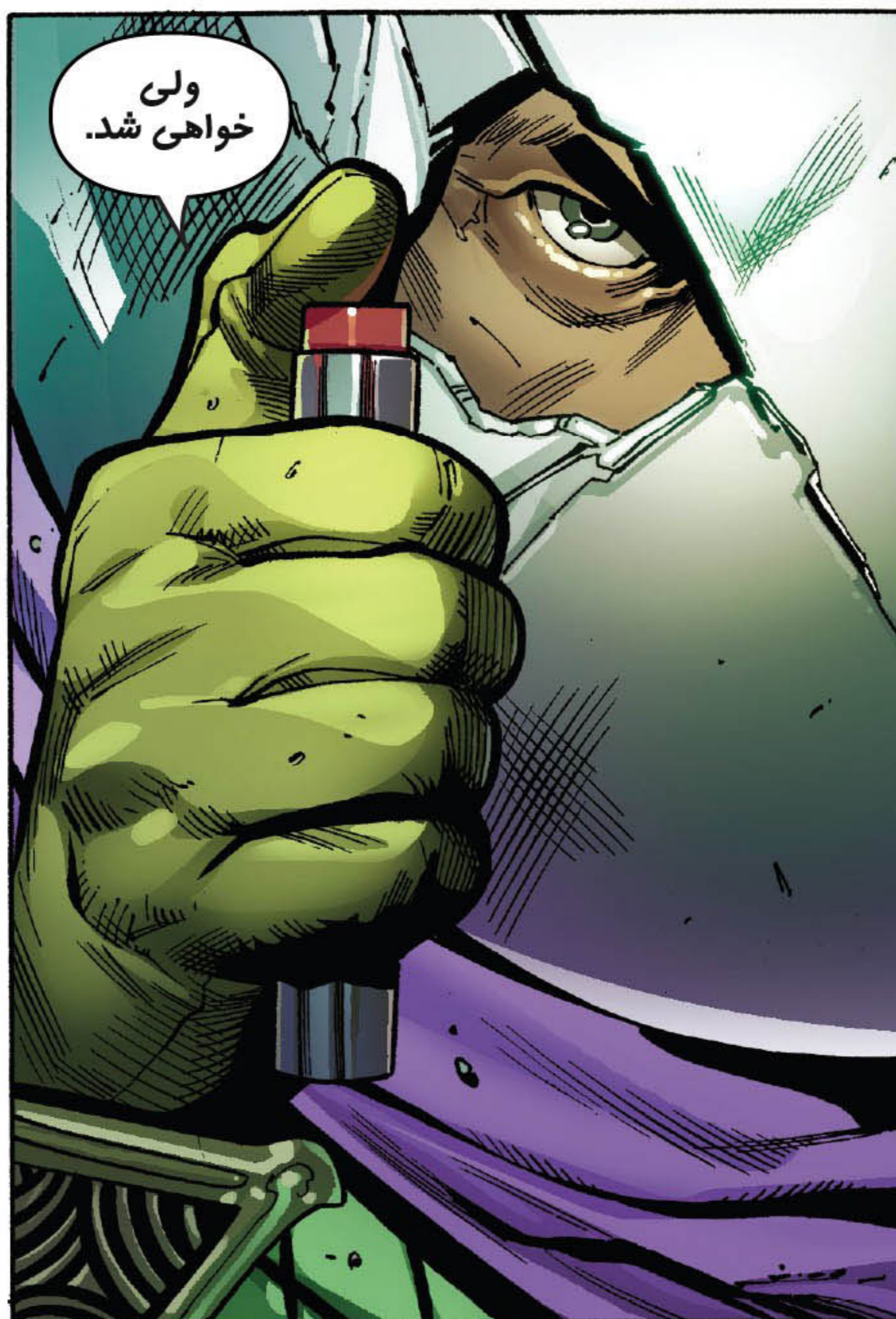


خدای من.

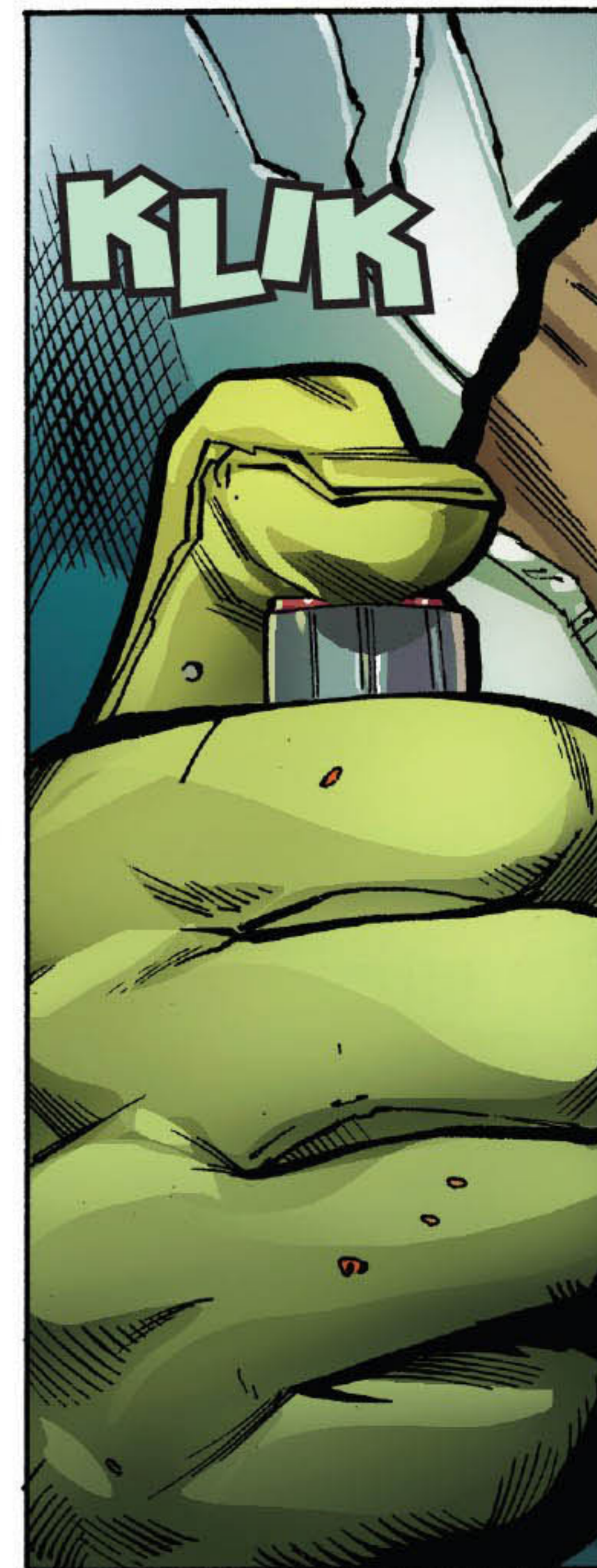
من...  
متأسفم.



نه. نه.  
هنوز. متأسف  
نیستی.



ولی  
خواهی شد.







عوضی.

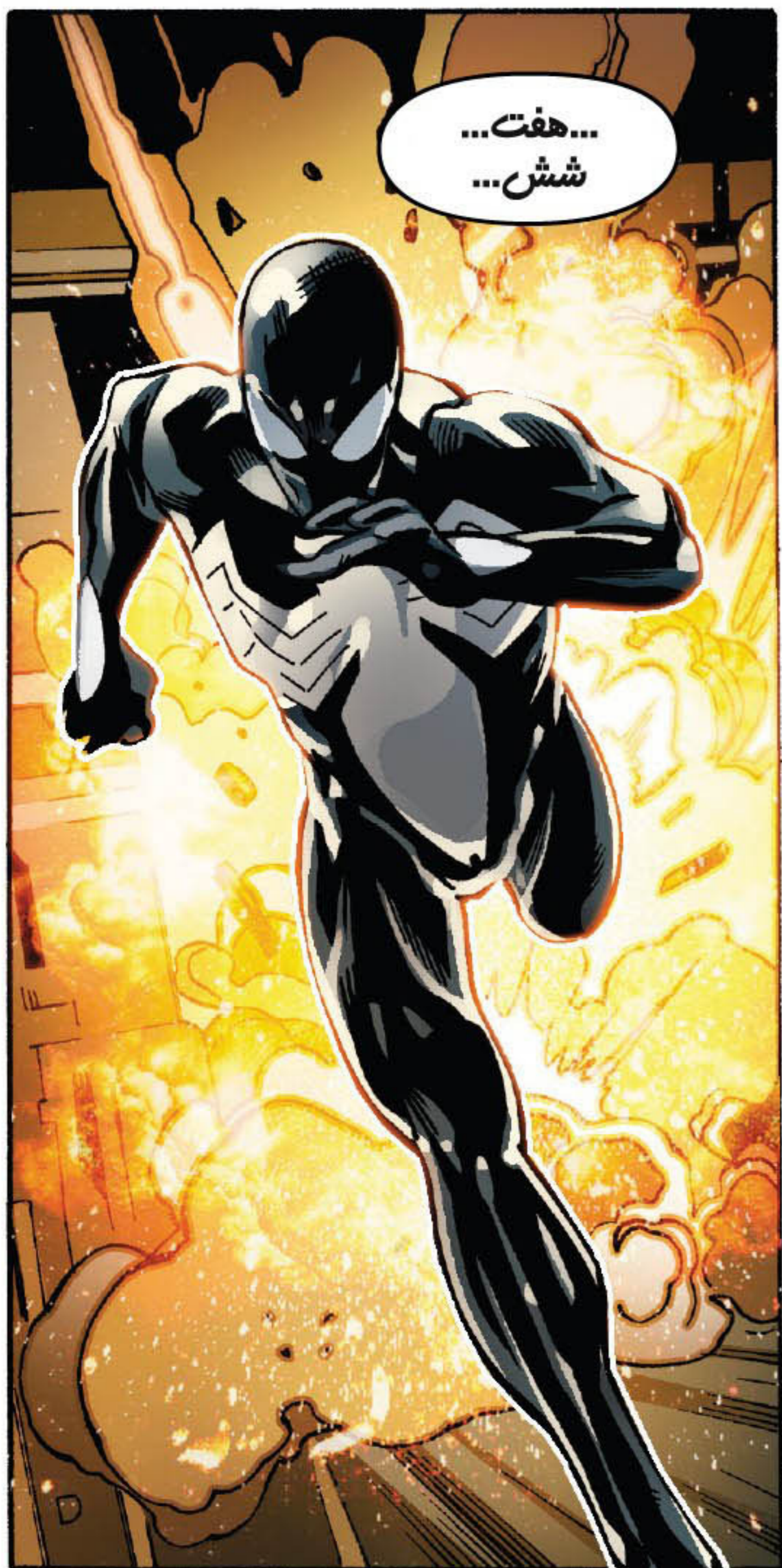
اگه جای تو بودم فرار می کردم اسپایدرمن.



ده ثانیه وقت داری تا قبل از منجر شدن اینجا فرار کنی.

نه... هشت...

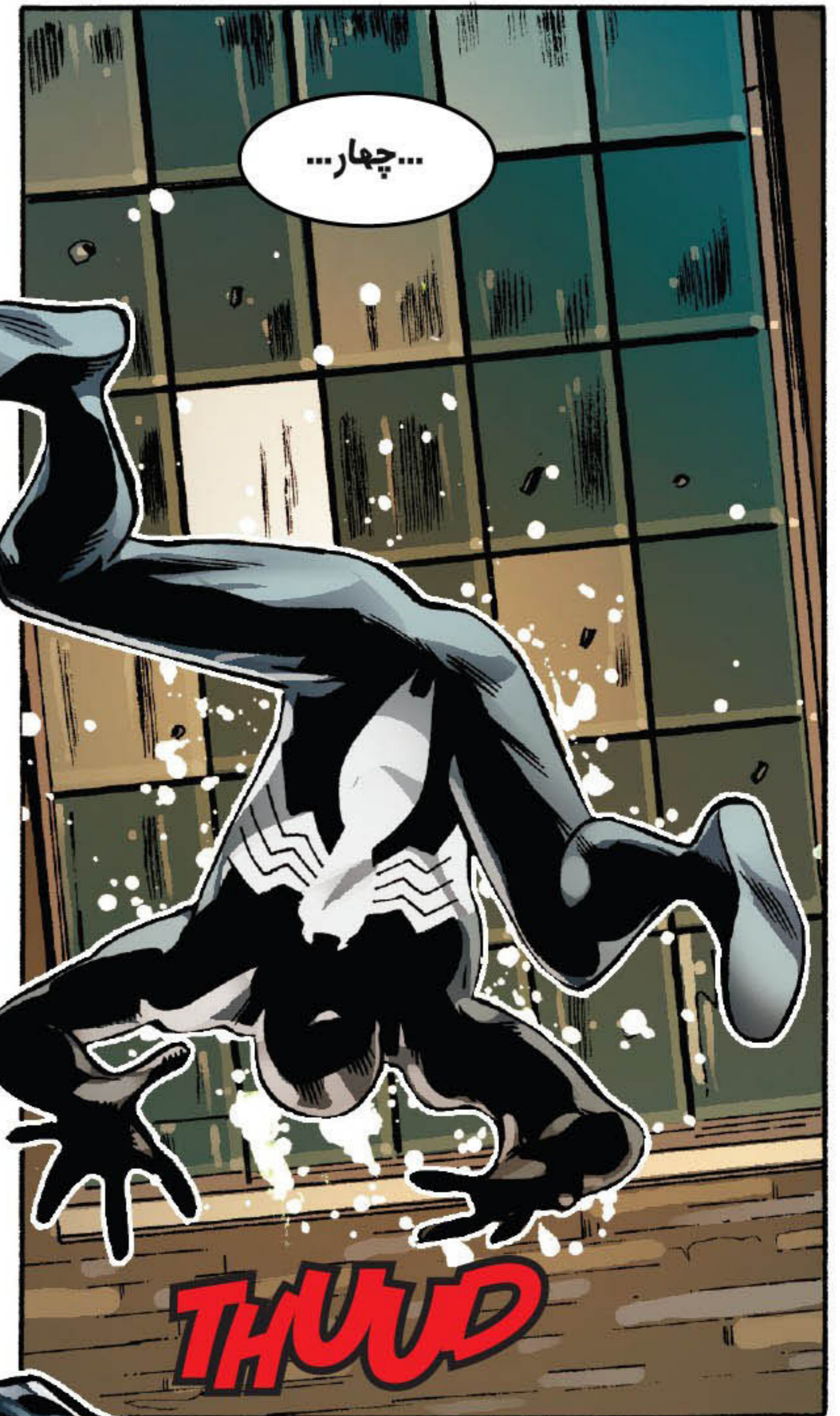
آشغال...!



...هفت... شش...



...پنج...



...چهار...

THUD



پنجره قلابی باید می دونستم.

از این آدم متنفرم.

...سه...



...و...

...یک...

**KRAASH**

**BOOM**





می تونی با من روراست باشی فلیشیا. تو فقط دوست پیتر نیستی.

نه... واقعا من عش...

دوست دخترشم.



می تونی بگی عشقتی من پیرم. هنوز نمردم.

به حرفات گوش می ده؟

بعضی وقت ها. بستگی داره.



متقاعدش کن برگرد به دانشگاه. می تونی؟

متأسفانه داره عمرشو هدر می ده.

می خواهی تا جایی برسونمت؟

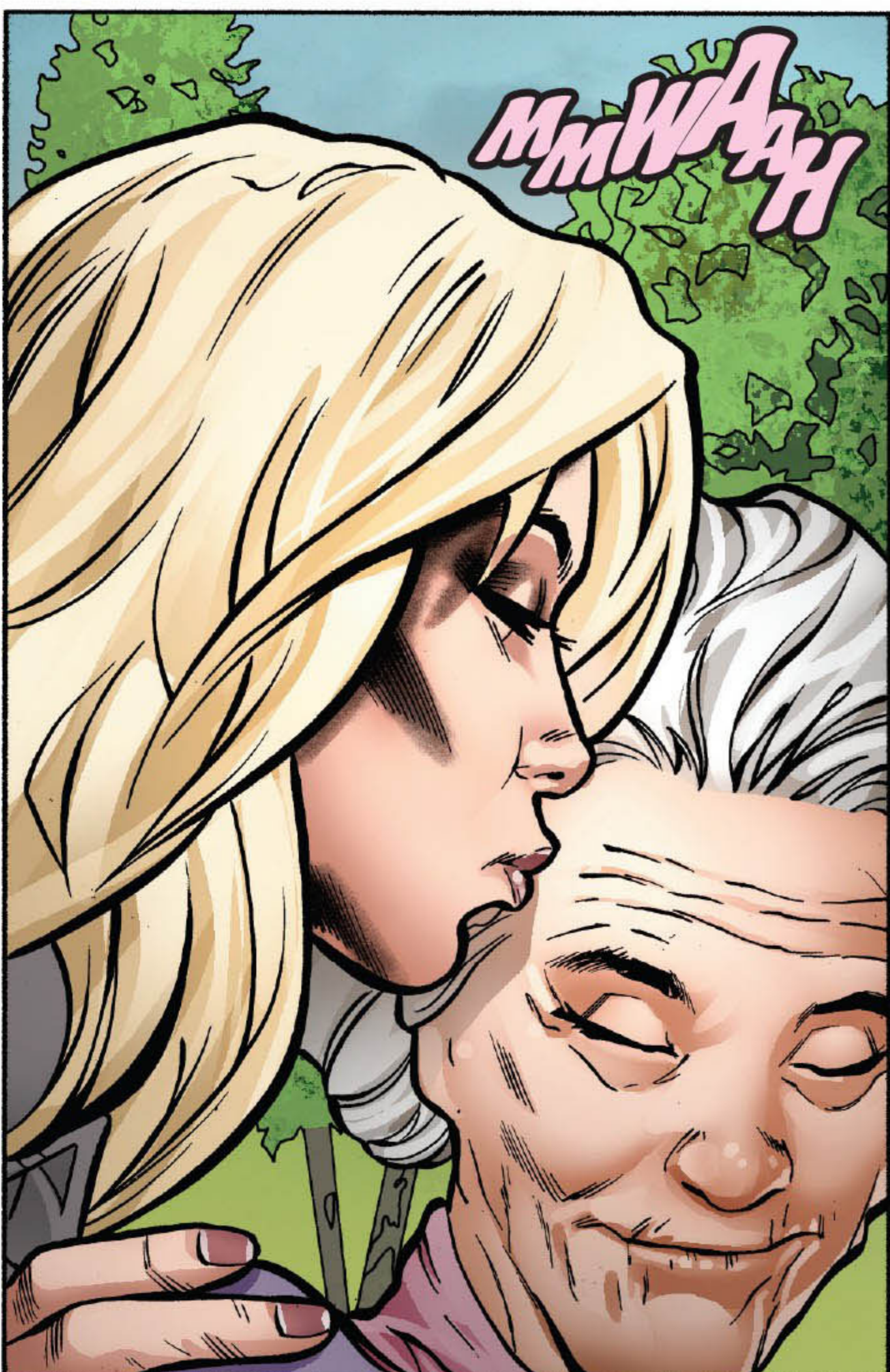
نه. ممنونم.



از اینکه دیدمت خیلی خوشحالم فلیشیا.

منم همینطور. خوشحال شدم.

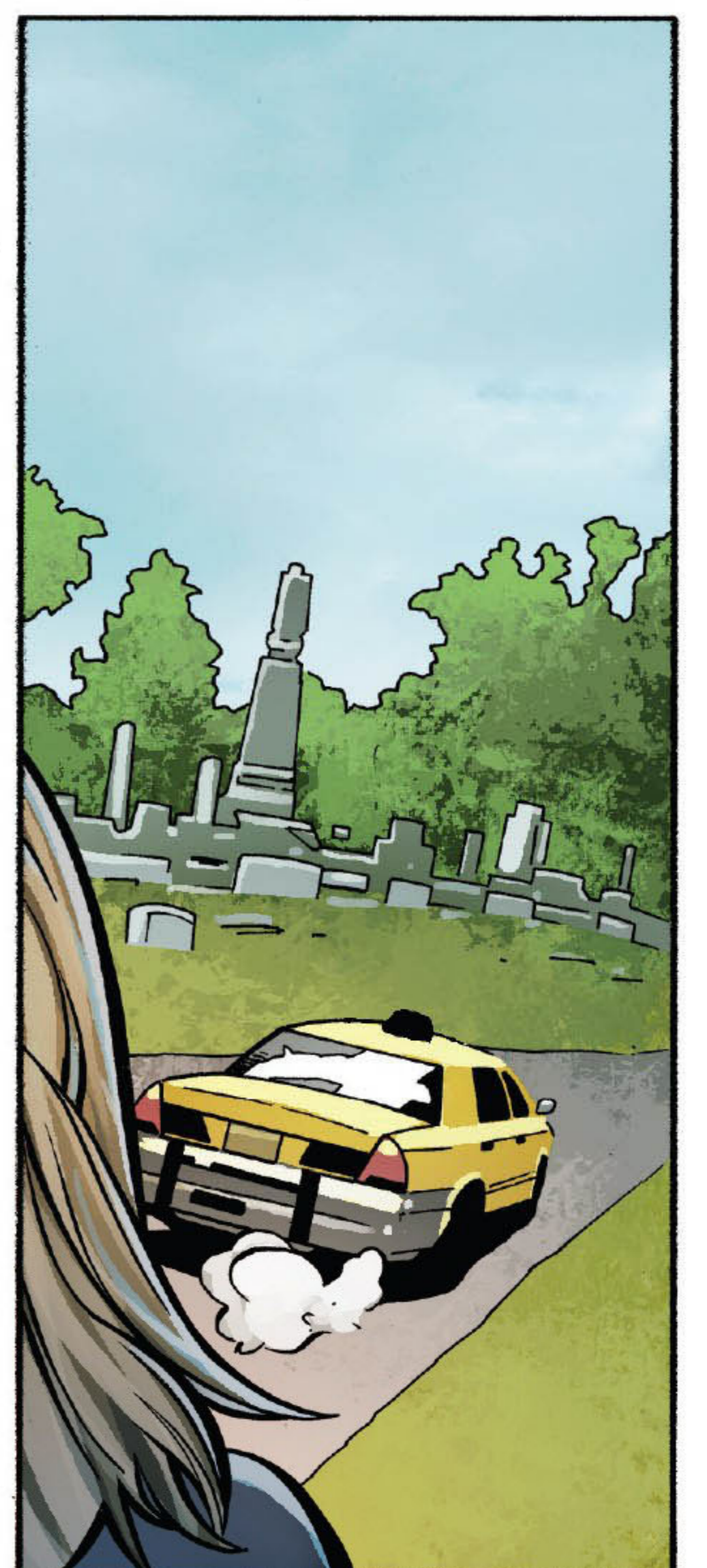
مطمئنم؟ زیاد مطمئن به نظر نمی رسی.



MmmWAhh



مطمئنم.







خراب کاری کردم.  
خواهرش؟



بن خود نبود که  
حس اسپایدری تحریک  
نشد. اون اصلا  
تهدید نبود.

اون داشت  
عزاداری می کرد. اون  
یه مجرمه، ولی  
هنوز...



دنیا هنوز  
در گردش. ولی  
نه به حدی خوب  
که حال تاب خوردن  
داشته باشم.



همچین  
زیاد خوب نیست  
که مردعنکبوتی رو  
تلوتلو خوران ببینند  
که داره از اینجا  
دور می شه.



چه اتفاق  
افتاد؟! تغییر  
کرد!

چیزهایی  
دیگه ای در مورد  
لباس جدیدش هست  
که بقیه نمی دونند.

و من  
حتما می خوام  
بدونم اون چیه. چون  
بازی وارد مرحله  
جدیدی شده  
اسپایدرمن.



یه بازی  
کاملاً جدید.

قسمت بعدی: اسپایدی  
با دشمن جدیدی روبرو  
می شه که با میستر یو متحد شده.

